

اصول قانون اساسی

در تونظرات شورای نگهبان

عنوان

اصل یکصد و پنجاه و هفتم

شماره مسلسل: ۱۳۹۶۰۰۸۳

تاریخ: ۱۳۹۶/۰۹/۱۹



شناسنامه

عنوان:

اصول قانون اساسی در پرتو نظرات شورای نگهبان

اصل یکصد و پنجاه و هفتم

تدوین:

محمد فتحی

ناظر علمی:

کاظم کوهی

شماره مسلسل: ۱۳۹۶۰۰۸۳

تاریخ انتشار: ۱۳۹۶/۰۹/۱۹



فهرست مطالب

۳.....	اصل یکصد و پنجاه و هفتم
۳.....	۱- نظرات شورای نگهبان در خصوص مصوبات مجلس شورای اسلامی
۱-۱.....	۱. لایحه توقف اجرای احکام و دستورهای اجرایی دادگاه‌های صالحه و مراجع ثبتی در مورد اسناد اجاره محل‌های مسکونی
۲-۱.....	۲. لایحه تعیین تکلیف اموال فراریان از کشور
۳-۱.....	۳. طرح تأسیس وزارت اطلاعات جمهوری اسلامی
۴-۱.....	۴. لایحه مجازات اسلامی (تعزیرات)
۵-۱.....	۵. لایحه تعیین پایه افرادی که به سمت‌های قضایی منصوب می‌شوند
۶-۱.....	۶. طرح تعیین وضعیت قضایی کسانی که سه سال در دادرسی‌های انقلاب اسلامی اشتغال به کار قضایی داشته‌اند
۷-۱.....	۷. لایحه سازمان نظام پزشکی جمهوری اسلامی ایران
۸-۱.....	۸. لایحه استفساریه قانون تعیین وضعیت قضایی کسانی که سه سال در دادرسی‌های انقلاب اسلامی اشتغال به کار قضایی داشته‌اند
۹-۱.....	۹. لایحه وظایف و اختیارات وزیر دادگستری در مواردی که اختیارات و وظایف مالی و اداری و استخدام غیر قضایی شورای عالی قضایی به وی تفویض می‌گردد
۱۰-۱.....	۱۰. لایحه وصول برخی از درآمدهای دولت و مصرف آن در موارد معین
۱۱-۱.....	۱۱. لایحه بودجه سال ۱۳۷۱ کل کشور
۱۲-۱.....	۱۲. لایحه بودجه سال ۱۳۷۷ کل کشور
۱۳-۱.....	۱۳. طرح هیئت منصفه
۱۴-۱.....	۱۴. طرح اصلاح ماده (۱۸۷) قانون برنامه سوم توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جمهوری اسلامی ایران
۱۵-۱.....	۱۵. طرح برگزاری مناقصات
۱۶-۱.....	۱۶. طرح فعال نمودن هیئت منصفه مطبوعات برای جلوگیری از تعطیلی اصل یکصد و شصت و هشتم (۱۶۸) قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران

- ۱۷-۱. لایحه مدیریت خدمات کشوری مصوب ۱۳۸۵/۱۰/۱۳ کمیسیون مشترک رسیدگی به لایحه مدیریت خدمات کشوری مجلس شورای اسلامی.. ۲۵
- ۱۸-۱. طرح اصلاح موادی از قانون تشکیل سازمان بازرسی کل کشور و اصلاحیه آن..... ۲۵
- ۱۹-۱. لایحه شوراهاى حل اختلاف..... ۲۶
- ۲۰-۱. لایحه ارتقاء سلامت نظام اداری و مقابله با فساد..... ۲۷
- ۲۱-۱. لایحه پیشگیری از وقوع جرم..... ۲۷
- ۲۲-۱. لایحه رسیدگی به تخلفات رانندگی..... ۲۸
- ۲۳-۱. لایحه برنامه پنج‌ساله توسعه جمهوری اسلامی ایران (۱۳۹۰-۱۳۹۴)..... ۲۹
- ۲۴-۱. لایحه تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمان‌های فاقد سند رسمی..... ۲۹
- ۲۵-۱. لایحه آیین دادرسی کیفری..... ۲۹
- ۲۶-۱. طرح الحاق برخی مواد به قانون تنظیم بخشی از مقررات مالی دولت.. ۳۲
- ۲۷-۱. لایحه بودجه سال ۱۳۹۴ کل کشور..... ۳۲
- ۲۸-۱. طرح اصلاح موادی از قانون مبارزه با قاچاق کالا و ارز..... ۳۲
- ۲۹-۱. طرح نحوه انتصاب اشخاص در مشاغل حساس..... ۳۳
- ۳-نظرات شورای نگهبان در خصوص اساسنامه‌های مصوب هیئت وزیران..... ۳۴
- ۳-نظرات تفسیری و مشورتی شورای نگهبان..... ۳۴
- ۱-۳. استفسار شورای عالی قضایی نسبت به حدود اختیارات و وظایف وزیر دادگستری و نسبت آن با امور اجرایی قوه قضائیه..... ۳۴
- ۴-نظرات شورای نگهبان در پاسخ به استعلامات اشخاص حقیقی و حقوقی..... ۳۷
- ۱-۴. استعلام نخست‌وزیر نسبت به مطابقت مصوبه هیئت وزیران در خصوص ترتیب استخدام و میزان حقوق و ترفیعات شاغلان در پلیس قضایی با قانون اساسی..... ۳۷
- ه‌تذکراه‌ای ارشادی و قانونی شورای نگهبان..... ۳۹

اصل یکصد و پنجاه و هفتم

مصوب ۱۳۶۸: به منظور انجام مسئولیت‌های قوه قضائیه در کلیه امور قضایی و اداری و اجرایی، مقام رهبری یک نفر مجتهد عادل و آگاه به امور قضایی و مدیر و مدبر را برای مدت پنج سال به عنوان رئیس قوه قضائیه تعیین می‌نماید که عالی‌ترین مقام قوه قضائیه است.

اصل سابق (مصوب ۱۳۵۸): به منظور انجام مسئولیت‌های قوه قضائیه شورایی به نام شورای عالی قضایی تشکیل می‌گردد که بالاترین مقام قوه قضائیه است و وظایف آن به شرح زیر است:

- ۱- ایجاد تشکیلات لازم در دادگستری به تناسب مسئولیت‌های اصل یکصد و پنجاه و ششم
- ۲- تهیه لوایح قضایی متناسب با جمهوری اسلامی
- ۳- استخدام قضات عادل و شایسته و عزل و نصب آنها و تغییر محل مأموریت و تعیین مشاغل و ترفیع آنان و مانند اینها از امور اداری، طبق قانون.

۱- نظرات شورای نگهبان در خصوص مصوبات مجلس شورای اسلامی

- ۱-۱. نظر شماره ۳۹۶۵ مورخ ۱۳۶۰/۸/۲۶ شورای نگهبان در خصوص لایحه توقف اجرای احکام و دستورهای اجرایی دادگاه‌های صالحه و مراجع ثبتی در مورد اسناد اجاره محل‌های مسکونی^(۱) مصوب ۱۳۶۰/۸/۲۴ مجلس شورای اسلامی
- ۱-۱-۱ [این مصوبه] از لحاظ اینکه به وسیله شورای عالی قضایی تهیه نشده و از لحاظ اینکه منافی با استقلال قوه قضائیه است، با اصول ۱۵۶ و ۱۵۷ (با اکثریت آرای اعضا) مغایر شناخته شد.^(۲)

- ۲-۱. نظر شماره ۷۱۸۵ مورخ ۱۳۶۱/۱۰/۳۰ شورای نگهبان در خصوص لایحه تعیین تکلیف اموال فراریان از کشور مصوب ۱۳۶۱/۱۰/۲۱ مجلس شورای اسلامی

۱. گفتنی است این طرح ابتدا با عنوان «لایحه راجع به توقف اجرای کلیه احکام و دستورهای اجرایی دادگاه‌های صالحه و مراجع ثبتی در مورد اسناد اجاره محل‌های مسکونی مشمول قانون روابط مؤجر و مستأجر و قانون مدنی برای مدت شش ماه» به مجلس تقدیم شده است، لیکن عنوان آن، هنگام بررسی در مجلس تغییر کرده است.

۲. برای آگاهی تفصیلی نسبت به مستندات قانونی این نظر، رجوع کنید به همین مجموعه، ذیل اصل یکصد و پنجاه و ششم، شماره ۱-۳-۱.

۱-۲-۱- از لحاظ اینکه متواری بودن از کشور و اقامت در خارج، شرعاً موضوع احکامی که در این لایحه ذکر شده نمی‌باشد، به اتفاق آراء مغایر با موازین شرعی و نیز به اکثریت آراء مغایر با اصل ۲۰ قانون اساسی شناخته شد. همچنین از لحاظ اینکه لایحه مذکور، لایحه قضایی است و بر حسب تحقیقی که شده به وسیله شورای عالی قضایی تهیه نشده است، با اصل ۱۵۷ قانون اساسی به اکثریت آراء مغایر شناخته شد. لازم به تذکر است حقوق دولت و بانک‌ها و سایر طلبکاران از فراریان و مقیمین در خارج از کشور طبق ضوابط شرعی به عنوان تقاص و عناوین شرعی دیگر لازم‌الاستیفاء است، چنان‌که در رابطه با حفظ اموال غایب و جلوگیری از سوء استفاده از آنها نیز با رعایت ضوابط شرعی، تصویب قوانین و اقدامات مقتضی امکان‌پذیر است.^(۱)

۳-۱. نظر شماره ۸۷۷۰ مورخ ۱۳۶۲/۳/۱۲ شورای نگهبان در خصوص طرح تأسیس وزارت اطلاعات جمهوری اسلامی مصوب ۱۳۶۲/۲/۲۷ مجلس شورای اسلامی

۱-۳-۱- چون مواردی که در ماده (۵) و تبصره آن موکول به اذن حاکم شرع شده است مواردی است که با حقوق افراد و حرمت حیثیات آنها ارتباط دارد و این موارد به طور تفصیل در قانون معلوم نشده است و احاله آن به مقامات قضایی و اجرایی، قانون‌گذاری است، با اصل ۸۵ قانون اساسی مغایر است. به علاوه مستفاد از اصول ۱۵۶ و ۱۵۷ قانون اساسی این است که تشکیل دادرها و دادگاه‌ها و استخدام قضات صالح برای آنها در صلاحیت شورای عالی قضایی است و تعیین قاضی شرع برای مواردی که مربوط به قوه قضائیه است در مراکز اطلاعاتی بدون تشکیل دادرها و دادگاه، خارج از صلاحیت شورای عالی قضایی بوده و با اصل ۱۵۷ قانون اساسی مغایرت دارد. همین نظر شامل تبصره‌های (۳) مواد (۱۱)، (۱۲) و (۱۳) نیز می‌باشد.^(۲)

۴-۱. نظر شماره ۹۵۵۱ مورخ ۱۳۶۲/۶/۱۰ شورای نگهبان در خصوص لایحه مجازات اسلامی (تعزیرات) مصوب ۱۳۶۲/۵/۱۸ کمیسیون امور قضایی مجلس شورای اسلامی

۱-۴-۱- نظر به اینکه بر حسب اظهار نظر بعضی آقایان محترم که در موقع تهیه

۱. برای آگاهی تفصیلی نسبت به مستندات قانونی این نظر، رجوع کنید به همین مجموعه، ذیل اصل بیستم، شماره ۱-۱-۱.

۲. برای آگاهی تفصیلی نسبت به مستندات قانونی این نظر، رجوع کنید به همین مجموعه، ذیل اصل هشتاد و پنجم، شماره ۱-۱۵-۱.

لایحه تعزیرات در شورای عالی قضایی عضویت داشته‌اند، در تهیه لایحه تعزیرات اکثریت اعضاء شورای عالی قضایی شرکت نداشته‌اند و اظهار نظر نکرده‌اند و مستفاد از بند (۲) اصل یکصد و پنجاه و هفتم قانون اساسی این است که تهیه لوایح قضایی با نظر اکثریت شورای عالی قضایی باشد، بناء علی‌هذا لازم است برای رعایت اصل مرقوم، قانون مذکور برای جلب نظر اکثریت به شورای عالی قضایی ارسال و سپس بعد از تصویب در جلسه علنی مجلس شورای اسلامی یا به وسیله کمیسیون برای اظهار نظر به شورای نگهبان ارسال شود.

لازم به تذکر است که این قانون متضمن نواقص و اشتباهات متعدداست که نیاز به امعان نظر مجدد و دقت بیشتر حضرات فقهاء محترم شورای عالی قضایی دامت برکاتهم دارد.^(۱)

۱. مبحث چهارم در تعزیرات

ماده ۱- هرکس با دول خارجی یا مأمورین آنها برای عداوت و جنگ با دولت جمهوری اسلامی ایران اسباب چینی کند یا در اسباب چینی داخل شود که عادتاً منجر به جنگ با دولت جمهوری اسلامی ایران می‌گردد، محارب محسوب می‌شود. اما اگر اسباب چینی به صورتی باشد که عادتاً منجر به جنگ نشود ولی سبب زیان دولت جمهوری اسلامی ایران گردد، به عنوان تعزیر از یک تا ده سال زندان محکوم می‌شود.
ماده ۲- ...

نامه شماره ۶۰۰۰/۲۵۰/د.مورخ ۱۳۶۲/۷/۱۴ مجلس شورای اسلامی به شورای نگهبان:

عطف به نامه شماره ۹۵۵۱ مورخ ۱۳۶۲/۶/۱۰ اعتراض آن شورای محترم در خصوص کیفیت تهیه لایحه، برای مجلس شورای اسلامی قابل قبول نیست؛ چون لایحه با امضای رسمی و در صورت ظاهر با شرایط قانونی به ما تحویل شده و شورای عالی قضایی بر صحت آن تأکید دارد و اطلاعات غیر رسمی نمی‌توانند میزان رد یا قبول باشد.

لطفاً نظر شورا را درباره مصوبات لایحه در مهلت مقرر از تاریخ وصول این نامه بفرمایید.

نظر شماره ۹۷۹۸ مورخ ۱۳۶۲/۸/۴ شورای نگهبان در خصوص نامه شماره ۶۰۰۰/۲۵۰/د.مورخ ۱۳۶۲/۷/۱۴ مجلس شورای اسلامی:

همان طور که مرقوم فرموده‌اید مبنای کار و بررسی لوایح و طرح‌ها و مصوبات در مجلس شورای اسلامی و شورای نگهبان ظواهر امر است که حاکی از مراعات جهات قانونی در مراحل قبل از تصویب مجلس شورای اسلامی است ولی اگر در ضمن بررسی معلوم شد که بعض ترتیبات قانونی رعایت نشده است گذشتن و مسامحه در آن صحیح به نظر نمی‌رسد و اکنون شخص جناب‌عالی هم برای تثبیت موضع قانون و خدشه‌دار نشدن مصوبات مجلس شورای اسلامی و این که در آینده و پس از اجرای قانون به اعتبار قانون‌گذاری و تصمیمات شورای عالی قضایی و سایر نهادهای جمهوری اسلامی لطمه وارد نگردد باید این سؤال ساده را که جواب آن بسیار ساده است از شورای عالی قضایی بفرمایید

→

و رخنه در حدود ثغور قوانین مجلس شورای اسلامی را مسدود سازید. بدیهی است شورای عالی قضایی نیز چنانچه لایحه با موافقت و تصویب اکثریت اعضاء آن شورا تهیه و تنظیم شده باشد، حال که این شبهه مطرح شده برای رفع آن و این که در آینده اصل قانونیت عمل شورای عالی قضایی و مجلس شورای اسلامی و شورای نگهبان مورد ایراد واقع نشود، صریحاً به مجلس شورای اسلامی اعلام خواهند فرمود.

با عنایت به عدم پذیرش ایراد کلی شورای نگهبان به این مصوبه توسط رئیس مجلس و با توجه به عدم اظهار نظر ماهوی شورای نگهبان نسبت به این مصوبه در مهلت قانونی مقرر در اصل ۹۴ قانون اساسی، این مصوبه از سوی مجلس برای اجرا به دولت ابلاغ گردید. این مصوبه، در شماره ۱۱۲۷۸ مورخ ۱۳۶۲/۸/۲۳ روزنامه رسمی منتشر شده است.

نامه شماره ۱۰۰۴۰ مورخ ۱۳۶۲/۹/۱ شورای نگهبان به رئیس مجلس شورای اسلامی: با اینکه در مغایرت لایحه تعزیرات با قانون اساسی و لزوم ارجاع به شورای عالی قضایی جهت بررسی و جلب نظر اکثریت شورای مذکور و تصویب مجدد آن در جلسه علنی یا به وسیله کمیسیون، نظر شورای نگهبان در موعد مقرر طی نامه شماره ۹۵۵۱ مورخ ۶۲/۶/۱۰ به مجلس شورای اسلامی اعلام شده است، بر حسب نامه شماره ۵۱۶۸/ق مورخ ۱۳۶۲/۸/۱۰ مجلس شورای اسلامی به عنوان عدم اعلام مغایرت آن با موازین شرعی و قانون اساسی از سوی شورای نگهبان جهت اجراء به ریاست جمهوری ابلاغ شده است.

نظر به اینکه در این لایحه چنانکه در نامه شورای نگهبان اعلام شده، بند (۲) اصل ۱۵۷ قانون اساسی رعایت نشده است و به این لحاظ حتی لایحه مذکور از سوی مجلس شورای اسلامی و شورای نگهبان قابل بررسی نمی‌باشد و علاوه، مواد متعدد آن با موازین شرعی مغایرت دارد، شورای نگهبان ضمن اعلام عدم قانونی بودن لایحه مرقوم، مراتب را که موجب نقض اصول متعدد قانون اساسی شده است اعلام می‌دارد.

رونوشت: جهت استحضار مقام محترم ریاست جمهوری و اقدام لازم.

نامه شماره ۶۹۲۶/۲۷۰.د. مورخ ۱۳۶۲/۹/۱۴ دفتر ریاست مجلس شورای اسلامی به شورای نگهبان: به پیوست جوابیه شورای عالی قضایی در پاسخ نامه شماره ۹۷۹۸ مورخ ۶۲/۸/۴^{*} جهت استحضار ارسال می‌گردد.

دفتر ریاست مجلس شورای اسلامی

سید جمال ساداتیان

^{*} ریاست محترم مجلس شورای اسلامی

بازگشت به نامه شماره ۶۳۷۶/۵۸۰.د. مورخ ۶۲/۸/۷ اشعار می‌دارد:

گرچه پاسخ سؤال مذکور الزام قانونی نداشت ولی برای حفظ احترام مجلس محترم شورای اسلامی مبادرت به جواب می‌گردد.

لایحه تعزیرات همانند همه لوایح شورای عالی چه آنهایی که به تصویب مجلس رسیده و یا هنوز به تصویب نرسیده از قبیل لایحه قصاص و حدود و دیات و تجارت و آیین دادرسی‌های مدنی و کیفری ... با رعایت مقررات و ضوابط در شورای عالی قضایی تصویب و جهت طرح در مجلس شورای

←



اسلامی ارسال شده است.

از طرف شورای عالی قضایی - مرتضی مقتدایی

نامه شماره ۱۰۱۵۱ مورخ ۱۳۶۲/۹/۳۰ شورای نگهبان به رئیس جمهوری اسلامی ایران:

حضرت حجت الاسلام والمسلمین جناب آقای خامنه‌ای ریاست محترم جمهوری اسلامی ایران عطف به نامه شماره ۲۹۶۴-۱/م مورخ ۱۳۶۲/۹/۱۷، سیر لایحه تعزیرات را از تاریخ ارسال آن به شورای نگهبان تا تاریخ اعلام نقص و مغایرت آن با قانون اساسی و مکاتباتی که بعد از آن صورت گرفته است به استحضار جناب عالی می‌رساند:

لایحه تعزیرات از سوی مجلس شورای اسلامی پیوست نامه شماره ۴۸۶۳/ق مورخ ۱۳۶۲/۵/۲۶ برای شورای نگهبان ارسال شده است و در تاریخ ۱۳۶۲/۶/۵ طی نامه شماره ۹۴۴۷ از سوی شورای نگهبان به موجب اصل نود و پنجم قانون اساسی اعلام استهمال گردیده است و سپس در تاریخ ۱۳۶۲/۶/۱۰ طی نامه شماره ۹۵۵۱ که فتوایی آن ضمیمه است به علت عدم رعایت بند (۲) اصل یکصد و پنجاه و هفتم قانون اساسی در تهیه آن، که اصل بررسی و تصویب آن را از سوی مجلس شورای اسلامی غیر معتبر می‌نماید و ضمن اعلام صریح لزوم ارجاع آن به شورای عالی قضایی جهت جلب نظر اکثریت اعضاء شورای مذکور و ضرورت تصویب مجدد آن در جلسه علنی یا به وسیله کمیسیون به مجلس شورای اسلامی بازگردانده شد. به این ترتیب شورای نگهبان چند روز قبل از انقضاء موعد مقرر قانونی و نه در آخرین ساعات قانونی نظر خود را به مجلس شورای اسلامی اعلام کرده است. با این اعلام نظر، ابلاغ لایحه برای اجرای آن، نقض اصل نود و چهارم قانون اساسی و عملاً کنار گذاردن شورای نگهبان است. بدیهی است قانوناً هیچ مقامی حق رد و اعتراض به نظر شورای نگهبان را ندارد. مع ذلک ریاست محترم مجلس شورای اسلامی پس از سی و چهار روز طی نامه شماره ۶۱۰۰/۲۵۰.د.ه مورخ ۱۳۶۲/۷/۱۴ که چهارده روز بعد از آن تاریخ، یعنی در تاریخ ۱۳۶۲/۷/۲۸ به شورای نگهبان واصل شده (فتوایی آن پیوست است) شخصاً اظهار نظر نموده‌اند که اعتراض شورای نگهبان قابل قبول نیست و از سوی خودشان مهلت جدیدی تعیین کرده و از سوی شورای نگهبان خواسته‌اند که نظر خود را ظرف مهلتی که ایشان تعیین نموده‌اند اعلام نماید. با اینکه جواب این نامه واضح بود؛ زیرا قانوناً ایشان موظفند که نظر اعتراض و شورای نگهبان را قبول فرمایند و علاوه بدون مطرح کردن نظر شورای نگهبان در مجلس شورای اسلامی و کسب نظر از نمایندگان محترم نباید نظر شخصی خود را نسبت به لایحه‌ای که جریان قانونی خود را طی کرده و از سوی شورای نگهبان برای رفع نقص قانونی و مراعات قانون اساسی به مجلس شورای اسلامی بازگردانده شده اعلام نموده و با تعیین مهلت جدید نظری غیر از نظر اظهار شده بخواهند.

این جانب برای این که نامه ایشان بلا جواب نماند طی نامه شماره ۹۷۹۸ مورخ ۱۳۶۲/۸/۴ پاسخی داده‌ام که مفاد آن این است که: حال که موضوع عدم کسب نظر اکثریت اعضاء شورای عالی قضایی در تهیه لایحه مطرح شده است بجا بود رئیس محترم مجلس نیز برای تثبیت موضع قانون و... به طور صریح از شورای عالی قضایی وضع لایحه را از لحاظ جلب اکثریت در تهیه آن استفسار نمایند. باز هم به این تذکرات توجه نشده و لایحه‌ای را که شورای نگهبان نسبت به آن از لحاظ عدم رعایت قانون اساسی



→

اظهار نظر کرده و حتی به فحواي نامه‌های شورای عالی قضایی به مقام رئیس جمهوری و مجلس شورای اسلامی این عدم رعایت مورد اعتراف شورای عالی قضایی واقع شده است و علاوه شورای نگهبان تذکر داده است که موارد و موادی از آن منطبق با موازین شرعی نیست برای اجرا به عذر اینکه شورای نگهبان در موعد مقرر، یعنی موعدی که ریاست محترم مجلس شخصاً و از جانب خود بعد از اظهار نظر رسمی شورا در موعد پیش‌بینی شده در قانون اساسی معین نموده‌اند اظهار نظر نکرده، ابلاغ کرده‌اند. لازم به تذکر است که در رابطه با این موضوع از سوی ریاست محترم مجلس شورای اسلامی از شورای عالی قضایی سه روز قبل از ابلاغ لایحه جهت اجراء سؤالی شده است که مقتضی بود لااقل تا وصول جواب و ارسال آن به شورای نگهبان و وصول پاسخ شورای نگهبان از ابلاغ لایحه خودداری شود. مع‌ذلک قبل از وصول جواب، لایحه ابلاغ می‌شود و شورای عالی قضایی در تاریخ ۱۳۶۲/۹/۳ یعنی بیست و سه روز بعد از ابلاغ لایحه، به نامه ریاست مجلس پاسخ داده و مذکور از سوی مجلس در تاریخ ۱۳۶۲/۹/۱۴ به شورای نگهبان ارسال شده است. در این نامه نیز با توجه به شرح فوق به وضوح دریافت می‌شود که ابلاغ لایحه جهت اجراء خلاف قانون اساسی واقع شده و باید فوراً از اجراء آن جلوگیری شود.

و اما اینکه با ذکر عبارت اصل نود و چهارم قانون اساسی گفته شده است شورای نگهبان بر خلاف نص صریح این اصل عمل کرده است مثل این است که به معنی نص و صریح توجه نشده است. آیا جمله «مصوبات مجلس باید به شورای نگهبان فرستاده شود» صریح و نص در این است که مصوباتی را که طبق قانون اساسی تصویب نشده است شورای نگهبان باید بررسی نماید و یا اینکه می‌تواند در مغایرت متن لایحه با قانون اساسی اظهار نظر کند و نمی‌تواند نسبت به مغایرت کل آن به لحاظ عدم مراعات قانون اساسی نظر بدهد؟ آیا نص و صریح این است و آیا مشخص نص و صریح یا مجمل بودن قانون، شورای نگهبان است که تفسیر قانون اساسی به عهده او است یا دیگران هم می‌توانند به تشخیص خود نظر خود را بر شورای نگهبان تحمیل نمایند و به هر حال استفاده شورای نگهبان از اصل نود و چهارم قانون اساسی و جمله کلیه مصوبات مجلس این است که مراد مصوباتی است که طبق قانون اساسی طی مراحل لازم را کرده باشد و به تصویب رسیده باشد و در مغایرت با قانون اساسی فرقی بین این نیست که مجلس لایحه‌ای را که نباید تصویب کند (مثل طرحی را که پنج نفر از نمایندگان مجلس پیشنهاد کرده باشند) بررسی و تصویب کرده باشد تصویب نماید یا آنکه متن طرح یا لایحه تصویب شده مغایرت با قانون اساسی داشته باشد.

و اما اینکه گفته شده کیست که نداند شورای نگهبان بحثش کلی و کبروی است نه صغروی، در جوابش به همین اکتفا می‌شود که کدام قانون‌دان و عبارت‌فهم و صغری و کبری‌شناس است که با توجه به وظیفه‌ای که شورای نگهبان در ارتباط با تطبیق قوانین با موازین شرعی و قانون اساسی دارد متوجه نشود که شورای نگهبان اگرچه در بعض مسائل بحث کلی و کبروی می‌نماید در مقام تطبیق یا عدم تطبیق خصوص مواد هر قانون، بحثش صغروی و جزئی است.

نسبت به سایر مطالبی که در نامه تقدیمی به مقام ریاست جمهوری و نامه‌ای که به مجلس شورای اسلامی تقدیم شده نیز ایرادات واضحہ متعدد است که به ملاحظه اطاله نامه از عرض آن خودداری می‌شود.

←



خواهشمند است از دستور مؤکد منع در اجرای این لایحه، شورای نگهبان را مطلع فرمایید.

دبیر شورای نگهبان

لطف‌الله صافی

نامه مورخ ۱۳۶۲/۸/۱۰ رئیس جمهوری اسلامی ایران به محضر رهبر کبیر انقلاب:

محضر مبارک رهبر عزیز انقلاب

حضرت مستطاب آیت‌الله العظمی امام خمینی مد ظله العالی

لایحه تعزیرات که به عنوان «عدم اعلام مخالفت از سوی شورای نگهبان» ممضی محسوب گشته و به قوه مجریه ابلاغ شده بود، اکنون از جهت احتمال مخالفت برخی از مواد آن با شرع مقدس، مورد سؤال است.

نظر به اینکه شمول اصل نود و چهارم قانون اساسی نسبت به این لایحه در وضع کنونی کاملاً روشن نیست، در صورتی که حضرت مستطاب عالی به شورای نگهبان دستور فرمایید که ظرف یک هفته لایحه مزبور را از جهت احتمال فوق بررسی کرده، نتیجه را برای اقدام لازم ابلاغ کند، هرگونه شبهه‌ای در انطباق عملکرد دستگاه‌ها با قانون اساسی منتفی خواهد شد. مستدعی است نظر شریف را ابلاغ فرمایید.

سید علی خامنه‌ای

رئیس جمهوری اسلامی ایران

پی‌نوشت رهبر کبیر انقلاب به رئیس جمهوری اسلامی ایران:

بسمه تعالی

جناب‌عالی به حضرات آقایان اعضاء شورای محترم نگهبان ابلاغ نمایم ظرف یک هفته الی ده روز رسیدگی نموده و به مجلس ابلاغ نمایند.

۶۲/۱۰/۹

روح‌الله الموسوی الخمینی

نظر شماره ۱۰۴۰۳ مورخ ۱۳۶۲/۱۰/۲۱ شورای نگهبان در خصوص لایحه مجازات اسلامی (تعزیرات) مصوب ۱۳۶۲/۵/۱۸ کمیسیون امور قضایی مجلس شورای اسلامی:

عطف به نامه شماره ۴۸۶۳/۴ ق مورخ ۱۳۶۲/۵/۲۶ و پیرو نامه شماره ۹۵۵۱ مورخ ۶۲/۶/۱۰ و نامه شماره ۱۰۴۰ مورخ ۱۳۶۲/۹/۱ و با توجه به این که به امر حضرت امام دامت برکاته در ذیل نامه مورخ ۱۳۶۲/۱۰/۸ ریاست محترم جمهوری اسلامی به معظم‌له مواردی که در لایحه تعزیرات مصوب ۱۳۶۲/۵/۱۸ کمیسیون امور قضایی مجلس شورای اسلامی از لحاظ انطباق با موازین شرعی به تأیید اکثریت فقهاء شورای نگهبان نرسیده جهت اصلاح متن لایحه مذکور اعلام می‌شود:

۱- اطلاق مواد (۱) و (۲) و (۳) و (۴) و (۵) و (۶) و (۷) و (۸) و (۹) و (۱۰) و (۱۱) و (۱۲) و (۱۴) و مواد متعدد دیگر که شامل کفار می‌شود باید مقید شود و در مورد آنان حکم خاص آنان ذکر شود که هر کدام از این عملیات را اگر منافعی با امان است یا با اشتراط ترک آن بر آنها مرتکب شوند حکم کافر حربی را خواهند داشت و با عدم منافات با امان و عدم اشتراط بر آنها تعزیر خواهند شد.

۲- اطلاق ماده (۸) چون شامل مواردی می‌شود که خلاف تعهد و قرارداد جمهوری اسلامی عمل نکرده



→

باشد و دولت بیگانه‌ای که علیه آن جاسوسی کرده دولت اسلامی نباشد با موازین شرعی مغایر است.
۳- ماده (۱۴) نظر به اینکه مفهومش حصر و نفی حکم مذکور از سایر موارد مشابه است، با موازین شرعی انطباق ندارد.

۴- اطلاق ماده (۱۷) و (۱۸) نیز در مورد اموالی که شرعاً ملک صاحب اول است و مالک آن مجهول نمی‌باشد، با موازین شرعی انطباق ندارد و به فرض که مجهول‌المالک باشد به نفع دولت ضبط نخواهد شد و چنانچه در بندهای آینده این نامه خواهد آمد معمول می‌شود.

۵- در مورد ماده (۱۹) نظر به اینکه به مواد (۴۸) و (۴۹) ارتباط داده شده به نظر می‌رسد اشتباه باشد. موارد مربوطه را تعیین فرمایند تا بررسی شود.

۶- اطلاق مثل ماده (۲۱) و (۲۲) و (۲۳) و (۲۵) و (۲۶) و (۲۷) و (۲۸) و (۲۹) و (۳۲) و (۸۲) و (۸۳) چون ظاهر در اعم از خساراتی است که شرعاً به واسطه مباشرت یا تسببت ضمان دارد، مقید به خصوص این موارد گردد.

۷- در ماده (۲۵) و (۲۷) نظر به اینکه بعض مجازات‌های اداری مثل انفصال ابد در مجازات کافی به نظر می‌رسد، علاوه کردن مجازات دیگر و همچنین تعیین حداقل، تأیید نگردید.

۸- در ماده (۲۸) موضوع دو ماده‌ای که به آن اشاره شده اوراق نیست؛ پس از اصلاح و رفع ابهام بررسی می‌شود.

۹- در ماده (۳۹) نظر به اینکه جرم مذکور در مورد فرار دادن متهم اخف از محکوم به حبس دائم یا رجم و صلب است، مساوی قرار دادن تعزیر آنها به تأیید نرسید.

۱۰- اطلاق ماده (۴۲) نسبت به آثار و اشیاء مذهبی که ملک شخصی باشد، منطبق با موازین شرعی نیست. اگر به عنوان ثانوی و ضرورت در محدوده فرمان حضرت امام مدظله تریبی داده می‌شود ممکن است برای آن تعزیر مناسبی در نظر گرفته شود.

۱۱- ماده (۵۴) و (۵۵) نسبت به غیر مأمورین در مورد تقلب در اوراق تعرفه متهافت می‌باشد؛ رفع تهافت لازم است.

۱۲- ماده (۵۸) در صورتی که عمل مباشر موجب دیه یا قصاص می‌گردد، هر چند موجب قتل نشود به حسب مورد دیه یا قصاص خواهد داشت، مگر آنکه شرعاً آمر به عنوان سبب اقوی از مباشر شناخته شود و اگر متهم فوت نماید اگر قتل خطا یا عمد یا شبه عمد باشد، حکم هر یک مجری خواهد شد و آمر اذیت نیز اگر به عنوان سبب اقوی از مباشر شناخته نشود در قتل غیر عمد، تعزیر و در قتل عمد، مجازات آمر به قتل را خواهد داشت.

۱۳- ماده (۵۹) ابهام دارد و ممکن است به این صورت رفع ابهام بشود (در صورتی که این عمل موجب قتل محکوم نگردد و موجب قصاص یا دیه باشد، عامل یا آمر در صورتی که سبب اقوی از مباشر باشد به حبس تا سه سال محکوم خواهد شد و اگر موجب قتل او شده باشد طبق ماده (۵۸) عمل خواهد شد) و تبصره نیز به این نحو اصلاح شود: (مکره به قتل از این ماده مستثنی است و به قصاص محکوم می‌شود).

۱۴- در ماده (۶۱) اجراء تعزیر در ملأ عام به نظر حاکم موکول شود.

۱۵- در مثل ماده (۶۲) که عامل و آمر ذکر می‌شود باید محکومیت آمر به قصاص یا دیه مقید شود به

←



صورتی که سبب اقوی از مباشر باشد.

۱۶- در ماده (۶۵) جمع بین اکثر مقدار شلاق و انفصال ابد نیز به تأیید نرسید.

۱۷- ماده (۶۶) با توجه به اینکه در مقام بیان موارد حکم نمی‌باشد تأیید گردید.

۱۸- تبصره ماده (۷۰) به این صورت اصلاح شود: (هر گاه محتمل باشد که راشی...).

۱۹- در ماده (۷۱) نسبت به اولیاء مرقوم شود در صورت تجاوز از حد تأدیب به نحو مناسب با توجه به این که جانی ولی مجنی علیه است تأدیب شود.

۲۰- در ماده (۷۴) چون اطلاق آن شامل موارد عذر موجه و مقبول می‌شود، مقید به غیر مقبول شود و نسبت به تأدیه خسارات وارده نیز به تأیید نرسید.

۲۱- در مواد (۸۰) و (۸۲) و (۱۱۶) و (۱۲۰) زاید از اکثر مقدار تعزیر مقرر شده است و به این ملاحظه به تأیید نرسید.

۲۲- ماده (۸۶) که حداکثر را سی ضربه شلاق معین کرده است به تأیید نرسید. مناسب است با ماده (۸۷) ادغام شود. بدیهی است قاضی مناسبات را هم از جانب جانی و هم از جانب مجنی علیه ملاحظه می‌نماید و تبصره (۸۷) نیز تأیید نشد.

۲۳- ماده (۸۹) نیز نظر به اینکه مقدمات جرم مثل مقدمات اخفاء و امحاء، اگر خود جرم به آنها حاصل نشود تعزیر ندارد تأیید نگردید.

۲۴- در ماده (۹۲) شرط اینکه دفاع متناسب با خطر باشد به تأیید نرسید ولی شرط عدم امکان دفاع به اسهل در دفاع به اشد لازم است.

۲۵- در ماده (۹۳) حصر دفاع از مال در رد هر فعلی که به موجب مواد مربوط به سرقت جرم محسوب می‌شود تأیید نشد. و به این صورت قابل اصلاح است: (برای رد هر فعلی که تجاوز و تصرف در مال غیر از طرف مأمور دولت یا فرد دیگر مجوز قانونی نداشته باشد).

۲۶- در ماده (۹۶) در بند (۱) تقیید جرح و آزار به شدید تأیید نگردید.

۲۷- ماده (۱۰۶) به تأیید نرسید. هر گاه کلمه «ملزم» به «مجاز» تبدیل شود رفع اشکال می‌شود.

۲۸- در ماده (۱۰۷) نیز جمله (دعوای حقوقی) به جمله (هر دعوایی) تبدیل گردد.

۲۹- ماده (۱۰۹) مجمل است. اگر جمله شروع به سرقت مقدماتی را که فی حد نفسها مباح است شامل شود، مغایر با موازین شرعی است و اگر مقصود مقدماتی است که فی حد نفسها حرام است مثل بالا رفتن از دیوار خانه غیر یا داخل شدن در خانه غیر، عبارت را به نحوی که ظاهر در معنی دوم باشد اصلاح فرمایند.

۳۰- در ماده (۱۱۵) ورشکسته به تقصیر اصطلاحی شرعاً مجرم نمی‌باشد. چنانچه مواردی در نظر بوده است که مجرم است خصوص موارد را مرقوم فرمایند تا بررسی شود.

۳۱- در ماده (۱۱۶) علاوه بر جمع بین اکثر مقدار تعزیر و حبس که قبلاً نیز ذکر شده نسبت به تبصره آن نیز ایراد وارد به شروع به سرقت، در شروع به کلاهبرداری وارد است.

۳۲- در ماده (۱۲۵) اگر نظر به مصادیق خیانت در امانت باشد، اگرچه مضر به مصالح شخصی هم باشد، ممنوع است و اگر به ملاحظه مصالح عمومی و سوء استفاده است چون ماده اجمال دارد بعض مصادیق آن مذکور شود تا با رفع ابهام قابل بررسی گردد.



→

۳۳- در ماده (۱۲۸) عبارت (مرتکب بر اساس ...) به این نحو اصلاح شود: (بر اساس موازین شرعی دیه خواهد داشت).

۳۴- ماده (۱۲۵) اطلاق این ماده چون شامل کسی که مالک عین و منفعت یا مالک منفعت باشد می شود و همچنین شامل موردی که داخل شونده در ملک غیر به حکم قاضی دادگاه که مستند به اقرار به ارتکاب جرم از روی علم و عمد نباشد محکوم شود می باشد، با موازین شرعی منطبق شناخته نشد.

۳۵- شمول ماده (۱۳۹) در فروش اموال در مواردی که الزام محکوم علیه بر فروش اموال با عمل به مراتب امر به معروف یا حبس او ممکن باشد، با موازین شرعی مغایر است و در تبصره نیز چنانچه محکوم علیه اجیر دیگری باشد، حبس او جایز نیست.

۳۶- در ماده (۱۴۰) در صورتی که بتواند صحت آن اسناد را ثابت نماید نیز قابل تعزیر است مگر آنکه در مقام تظلم به مقامات باشد که در بعض موارد اگر اثبات هم نشود تعزیر ندارد.

۳۷- ماده (۱۴۶) در مورد پول هایی که مرتکبین به دست آورده اند اگر مالک آنها معلوم باشد به مالک مسترد می شود و الا حکم مجهول المالک را دارد که به بیت المال واریز می شود و دولت طبق قانون آن را به مصرف صدقه فقراء می رساند. عبارت «با نظر حاکم صدقه داده می شود» نیز به همین ترتیب باید اصلاح شود.

۳۸- در مواد (۱۵۰) و (۱۵۱) و (۱۵۲) و (۱۵۵) در صورت تخلف از نظامات دولتی عفو مصدوم از جانی و یا گرفتن دیه دخالت در اجرای تعزیر و عدم آن که به نظر حاکم موکول است ندارد و (عدم مهارت) نظر به اینکه شامل غیر موارد تخلف از نظامات دولتی است که از جمله آنها بی احتیاطی است حذف شود.

۳۹- تبصره ماده (۱۵۴) از لحاظ اینکه صدور حکم را در مورد دعوای عمومی که مقصود همان حکم به تعزیر است به تقاضای دادستان موکول کرده، به تأیید نرسید.

۴۰- در ماده (۱۵۶) تقیید به بار اول صحیح به نظر نمی رسد و اگرچه مجازات مقرر در این ماده اشکال ندارد ولی به طور کلی در موارد محکومیت به شلاق تبدیل آن به حبس مناسب یا پرداخت وجه نقد یا تعطیل محل کار یا خواباندن وسیله نقلیه که ملک مرتکب باشد در مدت معین به نظر قاضی و با موافقت و قبول شخص مجرم از جهت اینکه از مصادیق تعزیر به اخف است جایز است.

۴۱- چون بسیاری از مواد نسبت به اعذار شرعیه مثل جهل و عدم توجه و اشتباه، اطلاق دارد ضمن ماده ای تقیید همه مواد به صورت علم و عمد و التفات عنوان شود. بدیهی است در مسئله دیات و ضمانات، اطلاق مواد از این لحاظ قابل تقیید نیست.

۴۲- چون در تعزیرات نظر حاکم در تعیین نوع و مقدار تعزیرات و عفو از مجرم شرعاً معتبر است و تعیین مقدار خاص در بعض موارد موجب تعطیل تعزیر مناسب و لازم و در بعض موارد موجب ظلم بر مجرم می گردد، لذا این گونه تعیین ها نیز مغایر با موازین شرعی است و باید لایحه از این جهت هم اصلاح شود که با این اصلاح قسمتی از ایراداتی که در بندهای ذیل به آن اشاره شده است مرتفع می شود.

(بر اساس اسناد و مدارک در دسترس، در خصوص ایرادهای شورای نگهبان، اصلاحی از سوی مجلس انجام نشده است.)

۵-۱. نظر شماره ۶۸ مورخ ۱۳۶۳/۱/۲۹ شورای نگهبان در خصوص لایحه تعیین پایه افرادی که به سمت‌های قضایی منصوب می‌شوند^(۱) مصوب ۱۳۶۳/۱/۱۵ کمیسیون امور قضایی مجلس شورای اسلامی

۱-۵-۱- نظر به اینکه ضوابط تعیین پایه مناسب سمت‌های قضایی باید بر اساس قانون مشخص شود، تفویض آن اختیارات به شورای عالی قضایی به نظر اکثریت اعضا، مغایر با بند (۳) اصل ۵۷^(۲) قانون اساسی شناخته شد.^(۳)

۶-۱. نظر شماره ۶۸۳۷ مورخ ۱۳۶۵/۷/۱۶ شورای نگهبان در خصوص طرح تعیین وضعیت قضایی کسانی که سه سال در دادرسی‌های انقلاب اسلامی اشتغال به کار قضایی داشته‌اند^(۴) مصوب ۱۳۶۵/۷/۶ مجلس شورای اسلامی

۱-۶-۱- نظر به اینکه با توجه به اصول ۱۵۷، ۱۶۳ و ۱۶۷ قانون اساسی قضات باید دارای صلاحیت علمی لازم باشند و مجرد داشتن دیپلم و تمام کردن لمعتین و بیرون آمدن از عهده امتحان آیین دادرسی کیفری، کافی برای داشتن صلاحیت تصدی محاکم قضایی نیست اصلاحیه مذکور با قانون اساسی مغایر است. لازم به تذکر است که از لحاظ اشتغال در دادرسی نیز علاوه بر آیین دادرسی کیفری، حداقل گذراندن امتحان حقوق جزای اسلامی نیز لازم است.^(۵)

۱. گفتنی است این لایحه ابتدا با عنوان «لایحه استخدام افرادی که به سمت‌های قضایی منصوب می‌شوند» به مجلس تقدیم شده است، لیکن عنوان آن، هنگام بررسی در مجلس تغییر کرده است.

۲. با توجه به محتوای نظر شورای نگهبان، به نظر می‌رسد اصل (۱۵۷) صحیح باشد که به اشتباه اصل (۵۷) درج شده است.

۳. ماده واحده- شورای عالی قضایی مجاز است افرادی را که به سمت‌های قضایی طبق مقررات و ضوابط قانونی منصوب می‌نماید با پایه مناسب سمت استخدام نماید. سنوات خدمت قبلی قضات در دادگاه‌ها و دادرسی‌های انقلاب پس از استخدام در دادگستری جزء سنوات خدمت آنان محسوب و از لحاظ بازنشستگی و وظیفه به شرط پرداخت کسور بازنشستگی مقرر در قانون استخدام کشوری بر مبنای پایه قضایی که بر اساس این قانون به آنان تعلق می‌گیرد، منظور خواهد شد.

(در خصوص ایراد شورای نگهبان، اصلاحی از سوی مجلس انجام نشده و لذا این لایحه، به سرانجام قانونی نرسیده است.)

۴. گفتنی است این طرح ابتدا با عنوان «طرح تعیین وضعیت قضایی کسانی که سه سال در دادرسی‌های دادگاه‌های انقلاب اسلامی اشتغال به کار قضایی داشته‌اند» به مجلس تقدیم شده است، لیکن عنوان آن، هنگام بررسی در مجلس تغییر کرده است.

۵. ماده واحده- به شورای عالی قضایی اجازه داده می‌شود در مورد کسانی که تا تاریخ تصویب این قانون

۷-۱. نظر شماره ۹۲۲۹ مورخ ۱۳۶۶/۷/۸ شورای نگهبان در خصوص لایحه سازمان نظام پزشکی جمهوری اسلامی ایران مصوب ۱۳۶۶/۶/۲۴ مجلس شورای اسلامی

۱-۷-۱- بند (۷) ماده (۲)^(۱) از لحاظ اینکه متضمن الزام شورای عالی قضایی بر تشکیل دادگاه اختصاصی است، مغایر با قانون اساسی است.

۸-۱. نظر شماره ۹۸۷۷ مورخ ۱۳۶۶/۹/۲۶ شورای نگهبان در خصوص لایحه استفساریه قانون تعیین وضعیت قضایی کسانی که سه سال در دادرهای انقلاب

اسلامی اشتغال به کار قضایی داشته‌اند مصوب ۱۳۶۶/۹/۱۷ مجلس شورای اسلامی

۱-۸-۱- لایحه مغایر با اصول ۱۵۷ و ۱۶۳ قانون اساسی شناخته شد.^(۲)

→

بیش از سه سال در دادرهای انقلاب در سِمَت‌های قضایی اشتغال داشته و از دادستانی کل دارای ابلاغ قضایی باشند، در صورتی که حداقل دارای دیپلم بوده یا به تشخیص شورای عالی قضایی یا هیئت منتخب از درس‌های حوزه‌های علمیه لمعتین را تمام کرده باشند و همچنین هر دو گروه از عهده امتحان آیین دادرسی کفیری برآیند بدون در نظر گرفتن شرایط مذکور در بند (۵) قانون شرایط انتخاب قضات دادگستری و تبصره (۲) الحاقی آن، ابلاغ رسمی برای اشتغال در سِمَت‌های قضایی را صادر نماید.

مصوبه اصلاحی (نهایی) مورخ ۱۳۶۵/۸/۱۸ مجلس به منظور رفع ایراد شورا:

ماده واحده- به شورای عالی قضایی اجازه داده می‌شود در مورد کسانی که تا تاریخ تصویب این قانون بیش از سه سال در دادرهای انقلاب در سِمَت‌های قضایی اشتغال داشته و دارند و از دادستانی کل دارای ابلاغ قضایی باشند، در صورتی که حداقل دارای دیپلم بوده یا به تشخیص شورای عالی قضایی یا هیئت منتخب از درس‌های حوزه‌های علمیه لمعتین را تمام کرده باشند و همچنین هر دو گروه از عهده امتحان آیین دادرسی و حقوق جزای اسلامی برآیند بدون در نظر گرفتن شرایط مذکور در بند (۵) قانون شرایط انتخاب قضات دادگستری و تبصره (۲) الحاقی آن، ابلاغ رسمی برای اشتغال در سِمَت‌های قضایی دادرها و در صورت احراز شرایط در دادگاه‌ها را صادر نماید.

۱. ماده ۲- اهداف سازمان عبارتند از:

۱- ...

۷- رسیدگی به جرایم مشمولان این قانون که ناشی از طبابت و اشتغال به حرف پزشکی بوده و یا به واسطه انجام امور پزشکی ارتکاب گردد در شعبی از دادگاه‌های عمومی که به همین منظور از طرف شورای عالی قضایی در سازمان تشکیل خواهد شد انجام می‌گیرد.

تبصره- دادگاه‌های مذکور هنگام رسیدگی به جرایم صنفی مشمولان این قانون، نظر کارشناسی سازمان را اخذ خواهند نمود.

(در خصوص ایراد شورای نگهبان، اصلاحی از سوی مجلس انجام نشده و لذا این لایحه، به سرانجام قانونی نرسیده است.)

۲. ماده واحده- مقصود از جمله «کسانی که تا تاریخ تصویب این قانون بیش از سه سال در دادرهای

←

۹-۱. نظر شماره ۱۴۹۴ مورخ ۱۳۶۷/۲/۳۱ شورای نگهبان در خصوص لایحه وظایف و اختیارات وزیر دادگستری در مواردی که اختیارات و وظایف مالی و اداری و استخدام غیر قضایی شورای عالی قضایی به وی تفویض می‌گردد مصوب ۱۳۶۷/۲/۲۹ مجلس شورای اسلامی

۹-۱-۱- تفویض اختیارات مصرّح در لایحه مذکور از طرف شورای عالی قضایی به وزیر دادگستری، مغایر با اصل ۱۵۷ قانون اساسی است.^(۱)

۱۰-۱. نظر شماره ۱۰۰۱ مورخ ۱۳۶۹/۸/۹ شورای نگهبان در خصوص لایحه وصول برخی از درآمدهای دولت و مصرف آن در موارد معین مصوب ۱۳۶۹/۷/۱۱ کمیسیون

→

انقلاب در سِمَت‌های قضایی اشتغال داشته‌اند و دارند و از دادستانی کل دارای ابلاغ قضایی باشند» آن است که اشخاص موضوع ماده واحده بیش از سه سال با اجازه مقامات قضایی در سِمَت‌های قضایی اشتغال به کار قضایی داشته باشند ولو آنکه مدت ابلاغ آنها از دادستانی کل کمتر از سه سال باشد.

مصوبه اصلاحی (نهایی) مورخ ۱۳۶۶/۱۱/۲۵ مجلس به منظور رفع ایراد شورا:

موضوع استفسار:

با توجه به جمله صدر ماده واحده قانون تعیین وضعیت قضایی کسانی که سه سال در دادرهای انقلاب اسلامی اشتغال به کار قضایی داشته‌اند به این بیان «کسانی که تا تاریخ تصویب این قانون بیش از سه سال در دادرهای انقلاب در سِمَت‌های قضایی اشتغال داشته‌اند» آیا منظور از جمله «و از دادستانی کل دارای ابلاغ قضایی باشند» آن است که در تمامی مدت سه سال مذکور در صدر ماده واحده ابلاغ قضایی داشته باشند و یا آنکه صرف اشتغال به کار قضایی و داشتن ابلاغ ولو کمتر از سه سال کفایت می‌کند؟

نظر مجلس:

ماده واحده- مقصود از جمله «کسانی که تا تاریخ تصویب این قانون بیش از سه سال در دادرهای انقلاب در سِمَت‌های قضایی اشتغال داشته‌اند و دارند و از دادستانی کل دارای ابلاغ قضایی باشند» آن است که اشخاص موضوع ماده واحده بیش از سه سال با اجازه دادستانی کل در سِمَت‌های قضایی اشتغال به کار قضایی داشته باشند ولو آنکه مدت ابلاغ آنها از دادستانی کل کمتر از سه سال باشد.

۱. ماده واحده- شورای عالی قضایی می‌تواند اختیارات و وظایف مالی و اداری و نیز اختیارات استخدامی غیر قضایی خود را به وزیر دادگستری تفویض کند، در این صورت وزیر دادگستری دارای همان اختیارات و وظایفی خواهد بود که در قانون محاسبات عمومی کشور، قانون بودجه و دیگر قوانین مالی و اداری و استخدامی برای سایر وزرا به عنوان عالی‌ترین مقام اجرایی پیش‌بینی شده یا پیش‌بینی خواهد شد. این قانون از تاریخ تصویب لازم‌الاجرا است.

(در خصوص ایراد شورای نگهبان، اصلاحی از سوی مجلس انجام نشده و لذا این لایحه، به سرانجام قانونی نرسیده است.)

مشترک امور اقتصادی و دارایی و برنامه و بودجه مجلس شورای اسلامی

۱-۱۰-۱- در بند (ج) ماده (۱۲)^(۱) عبارت «در اختیار وزارت دادگستری قرار خواهد گرفت...» مغایر با اصل ۱۵۷ قانون اساسی است.

۱۱-۱. نظر شماره ۲۵۴۲ مورخ ۱۳۷۰/۱۱/۱۰ شورای نگهبان در خصوص لایحه بودجه سال ۱۳۷۱ کل کشور، مصوب ۱۳۷۰/۱۱/۱۰ مجلس شورای اسلامی

۱-۱۱-۱- در بند (۱۸) تبصره (۲۹)^(۲) وزارت دادگستری باید به قوه قضائیه یا

۱. ماده ۱۲- سازمان ثبت اسناد و املاک کشور مکلف است علاوه بر وصول معادل (۱۵) در هزار مذکور در ماده (۳) قانون اصلاح و حذف موادی از قانون ثبت اسناد و املاک مصوب سال ۱۳۱۰ و اصلاحات بعدی آن مصوب ۱۳۶۵/۴/۳۱ مجلس شورای اسلامی، معادل (۳۵) در هزار نیز بر مبنای تعیین شده در ماده مذکور اخذ و به درآمد عمومی کشور واریز نماید.

الف- ...

ج- معادل یک درصد درآمد واریزی موضوع این ماده و سایر درآمد واریزی خدمات ثبتی از محل اعتباری که به همین منظور در قانون بودجه هر سال منظور می شود در اختیار وزارت دادگستری قرار خواهد گرفت تا جهت تدارک و تجهیز واحدهای دادگستری جمهوری اسلامی ایران در مناطق محروم و نیز تشکیل دادگاه های سیار در مناطق عشایری هزینه گردد.

مصوبه اصلاحی (نهایی) مورخ ۱۳۶۹/۸/۲۰ کمیسیون مشترک امور اقتصادی و دارایی و برنامه و بودجه مجلس به منظور رفع ایراد شورا:

ماده ۱۲- سازمان ثبت اسناد و املاک کشور مکلف است علاوه بر وصول معادل (۱۵) در هزار مذکور در ماده (۳) قانون اصلاح و حذف موادی از قانون ثبت اسناد و املاک مصوب سال ۱۳۱۰ و اصلاحات بعدی آن مصوب ۱۳۶۵/۴/۳۱ مجلس شورای اسلامی، معادل (۳۵) در هزار نیز بر مبنای تعیین شده در ماده مذکور اخذ و به درآمد عمومی کشور واریز نماید.

الف- ...

ج- معادل یک درصد درآمد واریزی موضوع این ماده و سایر درآمد واریزی خدمات ثبتی از محل اعتباری که به همین منظور در قانون بودجه هر سال منظور می شود در اختیار قوه قضائیه قرار خواهد گرفت تا جهت تدارک و تجهیز واحدهای دادگستری جمهوری اسلامی ایران در مناطق محروم و نیز تشکیل دادگاه های سیار در مناطق عشایری هزینه گردد.

۲. تبصره ۲۹- ...

۱- ...

۱۸- قوه قضائیه و دستگاه های تابعه مکلفند کلیه وجوه ارزی دریافتی را به بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران واریز نمایند. عدم واریز به موقع در حکم تصرف غیرقانونی در اموال عمومی دولتی است. بیست درصد (۲۰٪) از وجوه مذکور جهت تأمین نیازهای قوه قضائیه که به تأیید کمیته تخصیص ارز خواهد رسید، در اختیار وزارت دادگستری قرار می گیرد.

مصوبه اصلاحی (نهایی) مورخ ۱۳۷۰/۱۱/۱۰ مجلس به منظور رفع ایراد شورا:

دادگستری تبدیل گردد تا مغایر اصل ۱۵۷ قانون اساسی نباشد.

۱۲-۱. نظر شماره ۷۶/۲۱/۲۲۵۴ مورخ ۱۳۷۶/۱۱/۷ شورای نگهبان در خصوص لایحه بودجه سال ۱۳۷۷ کل کشور، مصوب ۱۳۷۶/۱۱/۶ مجلس شورای اسلامی

۱-۱۲-۱ بند (ب) تبصره (۳۲)،^(۱) اولاً به لحاظ عدم تعیین سقف، مغایر اصل ۵۳ شناخته شد؛ ثانیاً محول شدن مصرف درآمدها به وزارت دادگستری، مغایر اصل ۱۵۷ قانون اساسی شناخته شد.

۱۳-۱. نظر شماره ۸۰/۲۱/۳۰۳۰ مورخ ۱۳۸۰/۱۰/۱۸ شورای نگهبان در خصوص طرح هیئت منصفه^(۲) مصوب ۱۳۸۰/۱۰/۳ مجلس شورای اسلامی

۱-۱۳-۱ عضویت و ریاست استاندار و عضویت مدیر کل فرهنگ و ارشاد اسلامی در شورای موضوع ماده (۳)، از این جهت که موضوع آن از مصادیق امور اجرایی موضوع اصل یکصد و پنجاه و هفتم می‌باشد و لذا مغایر این اصل و اصول پنجاه و هفتم و شصتم قانون اساسی شناخته شد. همچنین عضویت نمایندگان مجلس در این شورا، مغایر اصول پنجاه و هفتم و پنجاه و هشتم قانون اساسی تشخیص داده شد.^(۳)

→

۱. در مصوبه اصلاحی مورخ ۱۳۷۰/۱۱/۱۰ مجلس در خصوص بند (۱۸) تبصره (۲۹)، اصلاحی ملاحظه نشد، لیکن در متن رسمی منتشرشده از قانون بودجه سال ۱۳۷۱ کل کشور این بند به شرح زیر آمده است:
تبصره ۲۹- ...

۱- ...

۱۸- قوه قضائیه و دستگاه‌های تابعه مکلفند کلیه وجوه ارزی دریافتی را به بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران واریز نمایند. عدم واریز به‌موقع در حکم تصرف غیرقانونی در اموال عمومی دولتی است. بیست درصد (۲۰٪) از وجوه مذکور حداکثر تا مبلغ هشت میلیون (۸/۰۰۰/۰۰۰) دلار جهت تأمین نیازهای قوه قضائیه که به تأیید کمیته تخصیص ارز خواهد رسید، در اختیار دادگستری قرار می‌گیرد.
۱. برای آگاهی تفصیلی نسبت به مستندات قانونی این نظر، رجوع کنید به همین مجموعه، ذیل اصل پنجاه و سوم، شماره ۱-۳۷-۴.

۲. گفتنی است این طرح ابتدا با عنوان «طرح تشکیل هیئت منصفه» به مجلس تقدیم شده است، لیکن عنوان آن، هنگام بررسی در مجلس تغییر کرده است.

۳. ماده ۳- اعضای هیئت منصفه در هر استان زیر نظر شورایی به ریاست استاندار و عضویت رئیس کل دادگستری، مدیر کل فرهنگ و ارشاد اسلامی، رئیس شورای اسلامی استان و در غیاب وی رئیس شورای اسلامی مرکز استان و سه نفر از نمایندگان مجلس شورای اسلامی به انتخاب مجلس تعیین خواهند شد. شورای فوق‌الذکر پس از اعلام عمومی و جمع‌آوری تقاضاهای داوطلبان عضویت در

←



هیئت منصفه، نمایندگان اصلی و علی‌البدل هر صنف یا گروه اجتماعی را به قید قرعه و به صورت علنی تعیین خواهد کرد. در صورت فوت، استعفاء یا فقدان شرایط تعیین شده در این قانون برای هر یک از اعضای اصلی، یکی از اعضای علی‌البدل به ترتیب جایگزین وی خواهد شد.

تبصره- پس از تعیین اعضای هیئت منصفه هر استان، استاندار ظرف دو هفته از کلیه آنها برای تشکیل جلسه دعوت به عمل خواهد آورد. جلسه با حضور تعداد نصف به علاوه یک اعضاء رسمیت خواهد یافت. اعضاء هیئت منصفه از بین خود یک نفر را به عنوان دبیر هیئت منصفه برای مدت دو سال انتخاب خواهند کرد. دبیر مسئولیت اداره دبیرخانه را به عهده خواهد داشت. در صورتی که در اولین بار جلسه هیئت منصفه به حد نصاب نرسد برای بار دوم ظرف دو هفته از تاریخ جلسه اول، استاندار اعضاء هیئت منصفه را دعوت خواهد کرد و در صورت حضور یک سوم اعضاء جلسه رسمیت می‌یابد. در صورتی که بار دوم نیز جلسه به رسمیت نرسد شورای مذکور در این ماده ظرف دو هفته تشکیل جلسه داده و دبیر هیئت منصفه را تعیین خواهد کرد. حداقل یک ماه قبل از اتمام دوره مسئولیت دبیر هیئت منصفه دبیر جدید به روش فوق‌الذکر انتخاب خواهد شد.

مضوبه اصلاحی مورخ ۱۳۸۱/۱/۱۸ مجلس به منظور رفع ایراد شورا:

ماده ۳- اعضای هیئت منصفه در هر استان زیر نظر هیئتی به ریاست رئیس شورای اسلامی استان و عضویت رئیس شورای اسلامی مرکز استان و رئیس کل دادگستری استان به ترتیب زیر تعیین خواهند شد:

شورای فوق‌الذکر پس از اعلام عمومی و جمع‌آوری تقاضاهای داوطلبان عضویت در هیئت منصفه، نمایندگان اصلی و علی‌البدل هر صنف یا گروه اجتماعی را به قید قرعه و به صورت علنی تعیین خواهد کرد.

در صورت فوت، استعفاء یا فقدان شرایط تعیین شده در این قانون برای هر یک از اعضاء اصلی یکی از اعضاء علی‌البدل به ترتیب جایگزین وی خواهد شد.

تبصره ۱- در غیاب رئیس شورای اسلامی استان، رئیس شورای اسلامی مرکز استان مسئولیت آن را بر عهده خواهد گرفت و یکی دیگر از اعضای شورای اسلامی مرکز استان به انتخاب آن شورا به عضویت هیئت در خواهد آمد.

تبصره ۲- پس از تعیین اعضای هیئت منصفه هر استان، رئیس هیئت مذکور در این ماده ظرف دو هفته از کلیه آنها برای تشکیل جلسه دعوت به عمل خواهد آورد. جلسه با حضور تعداد نصف به علاوه یک اعضاء رسمیت خواهد یافت. اعضاء هیئت منصفه از بین خود یک نفر را به عنوان دبیر هیئت منصفه برای مدت دو سال انتخاب خواهند کرد. دبیر مسئولیت اداره دبیرخانه را به عهده خواهد داشت. در صورتی که در اولین بار جلسات هیئت منصفه به حد نصاب نرسد برای بار دوم ظرف دو هفته از تاریخ جلسه اول رئیس هیئت مذکور در این ماده اعضاء هیئت منصفه را مجدداً دعوت خواهد کرد و در صورت حضور یک سوم اعضاء جلسه رسمیت می‌یابد. در صورتی که بار دوم نیز جلسه به رسمیت نرسد هیئت مذکور در این ماده ظرف دو هفته تشکیل جلسه داده و دبیر هیئت منصفه را تعیین خواهد کرد. حداقل یک ماه قبل از اتمام دوره مسئولیت دبیر هیئت منصفه دبیر جدید به روش فوق‌الذکر انتخاب خواهد شد.



→

تبصره ۳- در صورتی که یک ماه پس از ابلاغ آیین‌نامه اجرایی، هیئت مذکور تشکیل نشد، شورای اسلامی مرکز استان وظیفه قرعه‌کشی را بر عهده خواهد گرفت.

نظر شماره ۸۱/۳۰/۲۰۲ مورخ ۱۳۸۱/۲/۲ شورای نگهبان در خصوص طرح هیئت منصفه مصوب ۱۳۸۱/۱/۱۸ مجلس شورای اسلامی:

- اشکال ماده (۳) از جهت مغایرت با اصل ۱۵۷ قانون اساسی در ترکیب موجود نیز وارد است.

- دادن ریاست هیئت به رئیس شورای اسلامی مرکز استان و عضویت یکی از اعضای دیگر این شورا بر خلاف اصل ۱۵۷ قانون اساسی می‌باشد.

- تبصره (۳) ماده (۳)، مغایر با اصول ۱۰۰، ۱۰۱، ۱۵۶ و ۱۵۷ قانون اساسی تشخیص داده شد.

مصوبه اصلاحی مورخ ۱۳۸۱/۲/۱۵ مجلس به منظور رفع ایراد شورا:

ماده ۳- انتخاب اعضای اصلی و علی‌البدل هیئت منصفه هر استان از بین اقشار و صنوف مختلف از طریق اعلام عمومی و جمع‌آوری تقاضاهای داوطلبان عضویت در هیئت منصفه به قید قرعه و به صورت علنی خواهد بود. هیئت منصفه هر استان در اولین جلسه خود یکی از اعضای را برای مدت دو سال به عنوان دبیر هیئت منصفه انتخاب خواهد کرد. دبیر، مسئولیت اداره دبیرخانه را به عهده دارد. حداقل یک ماه قبل از اتمام دوره مسئولیت دبیر هیئت منصفه، دبیر جدید به وسیله هیئت منصفه استان انتخاب خواهد شد.

ماده ۴- ...

ماده ۵- تعداد اعضای هیئت منصفه در استان تهران پانصد نفر و در استان‌های با جمعیت بیش از یک میلیون نفر دویست و پنجاه نفر و در استان‌های با جمعیت کمتر از یک میلیون نفر، یکصد و پنجاه نفر می‌باشد.

تبصره ۱- پس از تعیین دو سوم اعضا، هیئت منصفه رسمیت می‌یابد.

تبصره ۲- دبیر هیئت حداقل سه ماه قبل از پایان دوره هیئت منصفه برای انتخاب هیئت منصفه جدید اقدام خواهد کرد. ترتیب انجام امور باید به نحوی باشد که حداقل یک ماه قبل از اتمام دوره هیئت منصفه، اعضا هیئت منصفه بعدی مشخص شده باشند.

نظر شماره ۸۱/۳۰/۶۰۳ مورخ ۱۳۸۱/۳/۷ شورای نگهبان در خصوص طرح هیئت منصفه مصوب ۱۳۸۱/۲/۱۵ مجلس شورای اسلامی:

- در ماده (۳) مجری تعیین نشده است و این مورد از اموری است که نیاز به تقنین دارد؛ باید معلوم شود تا اظهار نظر گردد.

- تبصره (۲) ماده (۵) مغایر اصل ۱۵۷ قانون اساسی شناخته شد.

مصوبه اصلاحی مورخ ۱۳۸۱/۴/۳۰ مجلس به منظور رفع ایراد شورا:

ماده ۳- انتخاب اعضای اصلی و علی‌البدل هیئت منصفه هر استان از بین اقشار و صنوف مختلف از طریق اعلام عمومی و جمع‌آوری تقاضاهای داوطلبان عضویت در هیئت منصفه به قید قرعه و به صورت علنی خواهد بود. هیئت منصفه هر استان در اولین جلسه خود یکی از اعضای را برای مدت دو سال به عنوان دبیر هیئت منصفه انتخاب خواهد کرد. دبیر، مسئولیت اداره دبیرخانه را به عهده دارد. حداقل یک ماه قبل از اتمام دوره مسئولیت دبیر، دبیر جدید به وسیله هیئت منصفه استان انتخاب خواهد شد.

←

→

امور اجرایی این ماده در هر استان زیر نظر شورایی مرکب از رئیس کل دادگستری استان، رئیس شورای شهر مرکز استان و یکی از اساتید مسلمان و متعهد دانشگاه به معرفی وزیر علوم، تحقیقات و فناوری خواهد بود.

ماده ۴- ...

ماده ۵- تعداد اعضای هیئت منصفه در استان تهران پانصد نفر و در استان‌های با جمعیت بیش از یک میلیون نفر دویست و پنجاه نفر و در استان‌های با جمعیت کمتر از یک میلیون نفر، یکصد و پنجاه نفر می‌باشد.

تبصره ۱- پس از تعیین دو سوم اعضا، هیئت منصفه رسمیت می‌یابد.

تبصره ۲- شورای مذکور در ماده (۳) حداقل سه ماه قبل از پایان دوره هیئت منصفه برای انتخاب هیئت منصفه جدید اقدام خواهد کرد. ترتیب انجام امور باید به نحوی باشد که حداقل یک ماه قبل از اتمام دوره هیئت منصفه، اعضا هیئت منصفه بعدی مشخص شده باشند.

نظر شماره ۸۱/۳۰/۱۲۹۵ مورخ ۱۳۸۱/۵/۲۰ شورای نگهبان در خصوص طرح هیئت منصفه مصوب ۱۳۸۱/۴/۳۰ مجلس شورای اسلامی:

- ذیل ماده (۳) چون از امور اجرایی قوه قضائیه و از اختیارات رئیس آن قوه است، خلاف اصل ۱۵۷ قانون اساسی شناخته شد.

- تبصره (۲) ماده (۵) مبنیاً بر ماده (۳) اشکال دارد؛ باید اصلاح شود.

مصوبه اصلاحی مورخ ۱۳۸۱/۷/۲۹ مجلس به منظور رفع ایراد شورا:

ماده ۳- انتخاب اعضای اصلی و علی‌البدل هیئت منصفه هر استان از بین اقشار و صنوف مختلف از طریق اعلام عمومی و جمع‌آوری تقاضاهای داوطلبان عضویت در هیئت منصفه به قید قرعه و به صورت علنی خواهد بود. هیئت منصفه هر استان در اولین جلسه خود یکی از اعضا را برای مدت دو سال به عنوان دبیر هیئت منصفه انتخاب خواهد کرد. دبیر، مسئولیت اداره دبیرخانه را به عهده دارد. حداقل یک ماه قبل از اتمام دوره مسئولیت دبیر، دبیر جدید به وسیله هیئت منصفه استان انتخاب خواهد شد.

امور اجرایی این ماده در استان تهران زیر نظر شورایی مرکب از وزیر دادگستری، رئیس کل دادگستری استان تهران و رئیس شورای شهر تهران و در سایر استان‌ها اعضای شورا، رئیس کل دادگستری استان، نماینده وزیر دادگستری و رئیس شورای شهر مرکز استان خواهد بود. در هر استان یکی از نمایندگان استان در مجلس شورای اسلامی به انتخاب کمیسیون امنیت ملی و سیاست خارجی به عنوان ناظر در جلسات شورا شرکت خواهد نمود.

ماده ۴- ...

ماده ۵- تعداد اعضای هیئت منصفه در استان تهران پانصد نفر و در استان‌های با جمعیت بیش از یک میلیون نفر دویست و پنجاه نفر و در استان‌های با جمعیت کمتر از یک میلیون نفر، یکصد و پنجاه نفر می‌باشد.

تبصره ۱- پس از تعیین دو سوم اعضا، هیئت منصفه رسمیت می‌یابد.

تبصره ۲- شورای مذکور در ماده (۳) حداقل سه ماه قبل از پایان دوره هیئت منصفه برای انتخاب هیئت

←

→

منصفه جدید اقدام خواهد کرد. ترتیب انجام امور باید به نحوی باشد که حداقل یک ماه قبل از اتمام دوره هیئت منصفه، اعضای هیئت منصفه بعدی مشخص شده باشند.

نظر شماره ۸۱/۳۰/۱۸۵۹ مورخ ۱۳۸۱/۸/۲۳ شورای نگهبان در خصوص طرح هیئت منصفه مصوب ۱۳۸۱/۷/۲۹ مجلس شورای اسلامی:

- اصلاحات به عمل آمده نسبت به ماده (۳)، رافع اشکال نمی‌باشد. بنابراین ایراد بند (۲) قبلی شورا [= ذیل ماده (۳) چون از امور اجرایی قوه قضائیه و از اختیارات رئیس آن قوه است، خلاف اصل ۱۵۷ قانون اساسی شناخته شد] به قوت خود باقی است.

- انتخاب یکی از نمایندگان استان در مجلس شورای اسلامی به انتخاب کمیسیون امنیت ملی و سیاست خارجی به عنوان ناظر در ذیل ماده (۳)، خلاف اصل ۸۵ قانون اساسی شناخته شد.

- اشکال تبصره (۲) ماده (۵) به قوت خود باقی است.

مصوبه اصلاحی مورخ ۱۳۸۲/۱/۱۹ مجلس به منظور رفع ایراد شورا:

ماده ۳- انتخاب اعضای اصلی و علی‌البدل هیئت منصفه هر استان از بین اقشار و صنوف مختلف از طریق اعلام عمومی و جمع آوری تقاضاهای داوطلبان عضویت در هیئت منصفه به قید قرعه و به صورت علنی خواهد بود. هیئت منصفه هر استان در اولین جلسه خود یکی از اعضای را برای مدت دو سال به عنوان دبیر هیئت منصفه انتخاب خواهد کرد. دبیر، مسئولیت اداره دبیرخانه را به عهده دارد. حداقل یک ماه قبل از اتمام دوره مسئولیت دبیر، دبیر جدید به وسیله هیئت منصفه استان انتخاب خواهد شد.

امور اجرایی این ماده در هر استان زیر نظر هیئتی مرکب از رئیس کل دادگستری استان، رئیس شورای استان و در غیاب وی رئیس شورای شهر مرکز استان خواهد بود. در هر استان یکی از نمایندگان استان در مجلس شورای اسلامی به انتخاب مجلس به عنوان ناظر در جلسات هیئت شرکت خواهد نمود.

ماده ۴- ...

ماده ۵- تعداد اعضای هیئت منصفه در استان تهران پانصد نفر و در استان‌های با جمعیت بیش از یک میلیون نفر دویست و پنجاه نفر و در استان‌های با جمعیت کمتر از یک میلیون نفر، یکصد و پنجاه نفر می‌باشد.

تبصره ۱- پس از تعیین دو سوم اعضای هیئت منصفه رسمیت می‌یابد.

تبصره ۲- شورای مذکور در ماده (۳) حداقل سه ماه قبل از پایان دوره هیئت منصفه برای انتخاب هیئت منصفه جدید اقدام خواهد کرد. ترتیب انجام امور باید به نحوی باشد که حداقل یک ماه قبل از اتمام دوره هیئت منصفه، اعضای هیئت منصفه بعدی مشخص شده باشند.

نظر شماره ۸۲/۳۰/۲۹۲۱ مورخ ۱۳۸۲/۲/۱۶ شورای نگهبان در خصوص طرح هیئت منصفه مصوب ۱۳۸۲/۱/۱۹ مجلس شورای اسلامی:

ایراد بندهای (۱) و (۳) قبلی شورای نگهبان کماکان به قوت خود باقی است

مصوبه اصلاحی مورخ ۱۳۸۲/۱۰/۱۷ مجلس به منظور رفع ایراد شورا:

- چهار سطر بالا به شرح زیر اصلاح گردید:

امور اجرایی این ماده [= ماده (۳)] در هر استان زیر نظر رئیس کل دادگستری استان و با حضور رئیس

←

۱۴-۱. نظر شماره ۸۱/۳۰/۴۹۴ مورخ ۱۳۸۱/۲/۲۸ شورای نگهبان در خصوص طرح اصلاح ماده (۱۸۷) قانون برنامه سوم توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جمهوری اسلامی ایران^(۱) مصوب ۱۳۸۱/۲/۳ مجلس شورای اسلامی

۱-۱۴-۱- واگذاری تهیه آیین‌نامه‌ها و تصویب آنها به مراجع موضوع تبصره (۲)، مغایر اصل ۱۵۷ قانون اساسی شناخته شد.^(۲)

→

شورای اسلامی استان و دو نفر از نمایندگان آن استان به انتخاب مجلس به عنوان ناظر انجام می‌شود. قرعه‌کشی با حضور حداقل دو نفر از ناظرین معتبر است.

- در سطر اول تبصره (۲) [ماده (۵)] عبارت «شورای مذکور در ماده (۳)» حذف و در سطر دوم، عبارت «خواهد کرد» به «خواهد شد» اصلاح گردید.

نظر شماره ۸۲/۳۰/۶۳۶۰ مورخ ۱۳۸۲/۱۰/۲۵ شورای نگهبان در خصوص طرح هیئت منصفه مصوب ۱۳۸۲/۱۰/۱۷ مجلس شورای اسلامی:

با توجه به اصلاح به عمل آمده، ایراد شورای نگهبان رفع نشده است، و اگر ذیل ماده (۳) به این صورت اصلاح شود: «امور اجرایی این ماده در هر استان زیر نظر کسی که رئیس قوه قضائیه به او مأموریت می‌دهد با حضور...» رفع ایراد خواهد شد.

مصوبه اصلاحی (نهایی) مورخ ۱۳۸۲/۱۲/۲۴ مجلس به منظور رفع ایراد شورا: در سطر بالا [ابتدای پاراگراف دوم ماده (۳)] عبارت «زیر نظر رئیس کل دادگستری استان» حذف و عبارت «رئیس قوه قضائیه یا فردی که ایشان تعیین می‌کند» اصلاح گردید.

۱. گفتنی است این طرح ابتدا با عنوان «طرح اصلاح ماده (۱۸۷) قانون برنامه سوم توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جمهوری اسلامی ایران» به مجلس تقدیم شده است، لیکن عنوان آن، هنگام بررسی در مجلس تغییر کرد و با عنوان «طرح لغو ماده (۱۸۷) قانون برنامه سوم توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جمهوری اسلامی ایران» به تصویب رسید، ولی با توجه به ایراد شورای نگهبان به این مصوبه، مجدداً عنوان آن تغییر کرد و به عنوان ابتدایی بازگشت.

۲. ماده واحده- از تاریخ تصویب این قانون، ماده (۱۸۷) قانون برنامه سوم توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جمهوری اسلامی ایران مصوب ۱۳۷۹/۱/۱۷ به شرح زیر اصلاح می‌گردد:

ماده ۱۸۷- به منظور اعمال حمایت‌های لازم و تسهیل دستیابی مردم به خدمات حقوقی و ایجاد فرصت‌های شغلی، به کانون‌های وکلای دادگستری اجازه داده می‌شود تا نسبت به بررسی صلاحیت فارغ‌التحصیلان رشته حقوق قضایی و اعطای مجوز تأسیس مشاوره حقوقی اقدام کنند. حضور مشاوران مذکور، در محاکم دادگستری و ادارات و سازمان‌های دولتی و غیردولتی برای انجام امر وکالت متقاضیان مجاز خواهد بود.

کانون‌های کارشناسان رسمی دادگستری نیز مجاز هستند نسبت به بررسی صلاحیت متقاضیان کارشناسی رسمی دادگستری و اعطای مجوز برای انجام امور کارشناسی اقدام نمایند.

تبصره ۱- ...

←

→

تبصره ۲- آیین‌نامه تعیین درجه مشاوران حقوقی و کیفیت ارتقاء آنان و تعرفه‌های مربوط به موضوع این قانون توسط کانون وکلای دادگستری مرکز و آیین‌نامه مربوط به کارشناسان رسمی دادگستری توسط کانون کارشناسان رسمی تهیه و به تصویب هیئت وزیران خواهد رسید.

مصوبه اصلاحی مورخ ۱۳۸۱/۶/۱۰ مجلس به منظور رفع ایراد شورا:

ماده واحده- از تاریخ تصویب این قانون، ماده (۱۸۷) قانون برنامه سوم توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جمهوری اسلامی ایران مصوب ۱۳۷۹/۱/۱۷ به شرح زیر اصلاح می‌گردد:

ماده ۱۸۷- به منظور اعمال حمایت‌های لازم و تسهیل دستیابی مردم به خدمات حقوقی و ایجاد فرصت‌های شغلی، به کانون‌های وکلای دادگستری اجازه داده می‌شود تا نسبت به بررسی صلاحیت فارغ‌التحصیلان رشته حقوق قضایی و اعطای مجوز تأسیس مشاوره حقوقی اقدام کنند. حضور مشاوران مذکور، در محاکم دادگستری و ادارات و سازمان‌های دولتی و غیردولتی برای انجام امر وکالت متقاضیان مجاز خواهد بود.

کانون‌های کارشناسان رسمی دادگستری نیز مجاز هستند نسبت به بررسی صلاحیت متقاضیان کارشناسی رسمی دادگستری و اعطای مجوز برای انجام امور کارشناسی اقدام نمایند.

تبصره ۱- ...

تبصره ۲- شرایط صلاحیتی داوطلبان مذکور و مراجع تشخیص همان است که در قانون کیفیت اخذ پروانه وکالت دادگستری مصوب ۱۳۷۶/۱/۱۷ و قانون کارشناسان رسمی دادگستری مصوب ۱۳۸۱/۱/۱۸ پیش‌بینی گردیده است.

تبصره ۳- آیین‌نامه تعیین درجه مشاوران حقوقی و کیفیت ارتقاء و نحوه کارآموزی و رسیدگی به تخلفات آنان و تعرفه‌های مربوط به موضوع این قانون توسط کانون وکلای دادگستری مرکز و آیین‌نامه مربوط به کارشناسان رسمی دادگستری توسط شورای عالی کارشناسان رسمی تهیه و به تصویب هیئت وزیران خواهد رسید.

نظر شماره ۸۱/۳۰/۱۵۴۴ مورخ ۱۳۸۱/۷/۱ شورای نگهبان در خصوص طرح اصلاح ماده (۱۸۷) قانون برنامه سوم توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جمهوری اسلامی ایران مصوب ۱۳۸۱/۶/۱۰ مجلس شورای اسلامی: اشکال بندهای ... و (۴) [= ایراد مذکور در شماره ۱-۱۴-۱] به قوت خود باقی است.

مصوبه اصلاحی مورخ ۱۳۸۱/۸/۱۲ مجلس به منظور رفع ایراد شورا:

ماده واحده- از تاریخ تصویب این قانون، ماده (۱۸۷) قانون برنامه سوم توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جمهوری اسلامی ایران مصوب ۱۳۷۹/۱/۱۷ به شرح زیر اصلاح می‌گردد:

ماده ۱۸۷- به منظور اعمال حمایت‌های لازم حقوقی و تسهیل دستیابی مردم به خدمات قضایی و حفظ حقوق عامه، به کانون وکلا اجازه داده می‌شود تا نسبت به تأیید صلاحیت فارغ‌التحصیلان رشته حقوق جهت صدور مجوز تأسیس مؤسسات مشاوره حقوقی برای آنان اقدام نماید و تأیید صلاحیت خبره محلی دادگستری نیز به طریق فوق به وسیله کانون‌های کارشناسان رسمی دادگستری امکان‌پذیر است. حضور مشاوران مذکور و خبرگان محلی در محاکم دادگستری و ادارات و سازمان‌های دولتی و غیردولتی برای انجام امور وکالت متقاضیان و کارشناسی مجاز خواهد بود.

آیین‌نامه اجرایی این ماده و تعیین تعرفه وکالت و کارشناسی افراد مذکور و حدود صلاحیت به پیشنهاد

←

۱۵-۱. نظر شماره ۸۲/۳۰/۶۸۰۴ مورخ ۱۳۸۲/۱۲/۴ شورای نگهبان در خصوص طرح برگزاری مناقصات مصوب ۱۳۸۲/۱۱/۸ مجلس شورای اسلامی

۱-۱۵-۱ بند (ب) ماده (۲۸)،^(۱) مبنیاً بر اشکال بند (ب) ماده (۱)، خلاف شرع و مغایر اصل ۵۷ قانون اساسی شناخته شد و از این جهت که شامل امور اجرایی قوه قضائیه می‌شود، واگذاری آن به استاندار، مغایر اصل ۱۵۷ قانون اساسی شناخته شد.

۱۶-۱. نظر شماره ۸۴/۳۰/۱۲۰۰۷ مورخ ۱۳۸۴/۲/۲۲ شورای نگهبان در خصوص طرح فعال نمودن هیئت منصفه مطبوعات برای جلوگیری از تعطیلی اصل یکصد و شصت و هشتم (۱۶۸) قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، مصوب ۱۳۸۴/۲/۴ مجلس شورای اسلامی

۱-۱۶-۱- با توجه به اینکه به مقتضای ماده (۱۴) قانون هیئت منصفه مصوب ۱۳۸۲/۱۲/۲۴، قوانین مغایر با آن از جمله مقررات راجع به هیئت منصفه قبلی مذکور در قانون اصلاح موادی از قانون مطبوعات مصوب ۱۳۷۹/۲/۱۱ لغو شده است، لذا الزام به اجرای قانون الغاء شده در واقع نوعی قانون گذاری است و باید به تأیید مجدد شورای نگهبان برسد. با توجه به مراتب فوق، ماده (۱۷) قانون اصلاح قانون مطبوعات مصوب ۱۳۷۹/۲/۱۱ که به عنوان ماده (۳۶) به قانون مطبوعات الحاق شده است از این جهت که اجرای انتخاب اعضای هیئت منصفه را به عهده وزیر ارشاد و یا مدیر کل فرهنگ و ارشاد استان قرار داده است، مغایر اصل ۱۵۷ قانونی اساسی می‌باشد؛ زیرا انتخاب اعضای هیئت منصفه از امور مربوط به تأسیس دادگاه است و باید در اختیار رئیس قوه قضائیه باشد، و بدین جهت الزام رئیس دادگستری به شرکت در این جلسه مغایر اصل مزبور شناخته شد.^(۲)

→

کانون وکلای دادگستری و کانون کارشناسان رسمی دادگستری به تصویب رئیس قوه قضائیه خواهد رسید.

(گفتنی است هر چند با اصلاح این مصوبه از سوی مجلس، ایراد مربوط به مغایرت این ماده با اصل ۱۵۷ برطرف شده است، لیکن مصوبه اصلاحی، از جهتی دیگر (مغایرت با اصل ۸۵ و ۱۱۰) با ایراد شورای نگهبان مواجه شده است. برای آگاهی از ادامه مراحل بررسی این مصوبه، به ذیل اصل ۸۵، شماره ۱-۷۱-۱ و ذیل اصل ۱۱۰، شماره ۱-۲۰-۱ در همین مجموعه، مراجعه کنید.)

۱. برای آگاهی تفصیلی نسبت به مستندات قانونی این نظر، رجوع کنید به همین مجموعه، ذیل اصل پنجاه و هفتم، شماره ۱-۶۵-۲.

۲. ماده واحده- از تاریخ تصویب این قانون و تا انجام بازنگری و اصلاح مصوبه ۱۳۸۲/۱۲/۲۴ از سوی

←

۱۷-۱. نظر شماره ۸۵/۳۰/۲۰۷۴۹ مورخ ۱۳۸۵/۱۲/۱۳ شورای نگهبان در خصوص لایحه مدیریت خدمات کشوری مصوب ۱۳۸۵/۱۰/۱۳ کمیسیون مشترک رسیدگی به لایحه مدیریت خدمات کشوری مجلس شورای اسلامی

۱۷-۱-۱- اطلاق بند (۱) ماده (۱۱۹)،^(۱) نسبت به سازمان‌ها و دستگاه‌هایی که ساختار آنها در قانون اساسی پیش‌بینی شده و دارای حکم خاص خود می‌باشد، مغایر اصول مربوط از جمله ۹۱ و ۱۵۷ قانون اساسی شناخته شد. همچنین این ماده مبنیاً بر اشکال ماده (۱۱۸)، مغایر اصل ۶۰ قانون اساسی می‌باشد.

۱۸-۱. نظر شماره ۸۶/۳۰/۲۵۱۰۶ مورخ ۱۳۸۶/۱۱/۲۴ شورای نگهبان در خصوص

→

مجلس شورای اسلامی، تمهیدات لازم از جمله تعیین منبع مالی و تأمین اعتبار لازم جهت اجرای قانون جدید هیئت منصفه مصوب ۱۳۸۲/۱۲/۲۴، حداکثر تا یک سال، قانون هیئت منصفه قبلی مصوب ۱۳۷۹/۲/۱۱ لازم‌الاجراء خواهد بود.

مصوبه اصلاحی (نهایی) مورخ ۱۳۸۴/۵/۹ مجلس به منظور رفع ایراد شورا: ماده واحده- از تاریخ تصویب این قانون و تا انجام بازنگری و اصلاح مصوبه ۱۳۸۲/۱۲/۲۴ از سوی مجلس شورای اسلامی، تمهیدات لازم از جمله تعیین منبع مالی و تأمین اعتبار لازم جهت اجرای قانون جدید هیئت منصفه مصوب ۱۳۸۲/۱۲/۲۴، حداکثر تا یک سال، قانون هیئت منصفه قبلی مصوب ۱۳۷۹/۱/۳۰ لازم‌الاجراء خواهد بود.

تبصره- انتخاب هیئت منصفه به طریق ذیل خواهد بود:

هر دو سال یک بار در مهرماه جهت تعیین اعضاء هیئت منصفه در تهران به دعوت رئیس قوه قضائیه یا نماینده ایشان و با حضور ایشان یا نماینده وی و وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی، رئیس شورای اسلامی شهر، رئیس سازمان تبلیغات اسلامی و نماینده شورای سیاست‌گذاری ائمه جمعه سراسر کشور و در مراکز استان به دعوت نماینده ریاست قوه قضائیه و با حضور وی و مدیر کل فرهنگ و ارشاد اسلامی و رئیس شورای اسلامی شهر مرکز استان، رئیس سازمان تبلیغات و امام جمعه مرکز استان یا نماینده وی تشکیل می‌شود.

هیئت مذکور در تهران بیست و یک نفر و در سایر استان‌ها چهارده نفر از افراد مورد اعتماد عمومی را از بین گروه‌های مختلف اجتماعی (روحانیون، اساتید دانشگاه، پزشکان، مهندسان، نویسندگان و روزنامه‌نگاران، وکلای دادگستری، دبیران و آموزگاران، اصناف، کارمندان، کارگران، کشاورزان، هنرمندان و بسیجیان) به عنوان اعضاء هیئت منصفه انتخاب می‌کند.

چنانچه به هر دلیلی اعضای هیئت منصفه به ده نفر یا کمتر برسد، هیئت مذکور در این ماده موظف است ظرف یک ماه تشکیل جلسه داده و نسبت به تکمیل اعضای هیئت منصفه اقدام نماید.

۱. برای آگاهی تفصیلی نسبت به مستندات قانونی این نظر، رجوع کنید به همین مجموعه، ذیل اصل شصتم، شماره ۱-۴۴-۳.

طرح اصلاح موادی از قانون تشکیل سازمان بازرسی کل کشور مصوب ۱۳۶۰ و اصلاحیه آن مصوب ۱۳۷۵، مصوب ۱۳۸۶/۸/۲۲ کمیسیون قضایی و حقوقی مجلس شورای اسلامی

۱-۱۸-۱- تبصره (۴) ماده (۳)،^(۱) با توجه به مداخله در امور مربوط به دستگاه‌های تقنینی و قضایی و اجرایی، مغایر اصول ۵۸، ۶۰ و ۱۵۷ قانون اساسی شناخته شد.

۱۹-۱. نظر شماره ۸۷/۳۰/۲۷۲۷۲ مورخ ۱۳۸۷/۳/۲۰ شورای نگهبان در خصوص لایحه شوراهاى حل اختلاف^(۲) مصوب ۱۳۸۷/۲/۱۷ کمیسیون قضایی و حقوقی مجلس شورای اسلامی

۱-۱۹-۱- اطلاق ماده (۵) با توجه به ماده (۹)، مغایر اصل ۱۵۷ قانون اساسی شناخته شد.^(۳)

۱. برای آگاهی تفصیلی نسبت به مستندات قانونی این نظر، رجوع کنید به همین مجموعه، ذیل اصل پنجاه و هشتم، شماره ۱-۱۵-۱.

۲. گفتنی است این لایحه ابتدا با عنوان «لایحه شورای حل اختلاف و نهاد قاضی تحکیم» به مجلس تقدیم شده است، لیکن عنوان آن، هنگام بررسی در مجلس تغییر کرده است.

۳. ماده ۵- قاضی شورا با ابلاغ رئیس قوه قضائیه از میان قضات شاغل منصوب خواهد شد و احکام انتصاب سایر اعضاء شورا پس از احراز شرایط توسط رئیس کل دادگستری استان صادر می‌شود.

ماده ۶- ...

ماده ۹- شورا در موارد زیر رسیدگی و مبادرت به صدور رأی می‌نماید:

الف- در جرائم بازدارنده و اقدامات تأمینی و تربیتی و امور خلافی از قبیل تخلفات راهنمایی و رانندگی که مجازات نقدی قانونی آن حداکثر و مجموعاً (۳۰) میلیون ریال و یا سه ماه حبس باشد.

ب- صدور گواهی حصر وراثت، تحریر ترکه، مهر و موم ترکه و رفع آن

ج- تأمین دلیل

د- ادعای اعسار از پرداخت محکوم‌به در صورتی که شورا نسبت به اصل دعوی رسیدگی کرده باشد.

مضوبه اصلاحی (نهایی) مورخ ۱۳۸۷/۴/۱۸ کمیسیون قضایی و حقوقی مجلس به منظور رفع ایراد شورا:

- قسمت پایانی ماده (۵) به شرح زیر اصلاح شد:

توسط رئیس قوه قضائیه و یا شخصی که توسط ایشان تعیین می‌گردد صادر می‌شود.

- در انتهای سطر سوم بند (الف) ماده (۹) پس از کلمه «مجموعاً» حرف «تا» اضافه شد.

- بند (ب) ماده (۹) حذف شد.

- بند (د) ماده (۹) حذف شد.

- متن زیر به عنوان تبصره ماده (۹) الحاق گردید:

تبصره- شورا مجاز به صدور حکم حبس نمی‌باشد.

۲۰-۱. نظر شماره ۲۷۲۸۸/۳۰/۸۷ مورخ ۱۳۸۷/۳/۲۲ شورای نگهبان در خصوص لایحه ارتقاء سلامت نظام اداری و مقابله با فساد مصوب ۱۳۸۷/۲/۱۷ کمیسیون اجتماعی مجلس شورای اسلامی

۱-۲۰-۱- تصویب آیین‌نامه مذکور ذیل بند (الف) ماده (۱۲)^(۱) توسط هیئت وزیران، مغایر اصول ۵۷ و ۱۵۷ قانون اساسی است.

۲۱-۱. نظر شماره ۳۲۶۶۲/۳۰/۸۸ مورخ ۱۳۸۸/۳/۲ شورای نگهبان در خصوص لایحه پیشگیری از وقوع جرم مصوب ۱۳۸۸/۲/۹ مجلس شورای اسلامی

۱-۲۱-۱- ماده (۲)^(۲) از این جهت که وظایف قوه قضائیه و رئیس آن را به شورای عالی پیشگیری از وقوع جرم واگذار نموده است، مغایر اصول ۱۵۶، ۱۵۷ و ۱۵۸ قانون اساسی شناخته شد.

۱-۲۱-۲- تبصره ماده (۲)^(۳) مبنیاً بر اصل این ماده باید اصلاح شود.

۱-۲۱-۳- در ماده (۳)^(۴)، اموری که مربوط به قوه قضائیه است باید توسط رئیس قوه قضائیه، و وظایفی که مربوط به قوه مجریه است باید توسط رئیس قوه مجریه تصویب و اجرا شود؛ لذا این ماده از این جهت که این وظایف را به غیر رؤسای قوای مذکور واگذار نموده است، مغایر اصول ۱۵۷، ۶۰ و ۱۳۸ قانون اساسی شناخته شد.

۱-۲۱-۴- تبصره‌های یک و (۲) ماده (۳)^(۵) مبنیاً بر اصل ماده باید اصلاح شوند.

۱-۲۱-۵- ماده (۴)^(۶) مبنیاً بر ایرادهای وارده بر مواد (۲) و (۳) اشکال دارد، باید اصلاح شود.

۱. برای آگاهی تفصیلی نسبت به مستندات قانونی این نظر، رجوع کنید به همین مجموعه، ذیل اصل پنجاه و هفتم، شماره ۱-۷۸-۱.
۲. برای آگاهی تفصیلی نسبت به مستندات قانونی این نظر، رجوع کنید به همین مجموعه، ذیل اصل یکصد و پنجاه و ششم، شماره ۱-۵۹-۱.
۳. برای آگاهی تفصیلی نسبت به مستندات قانونی این نظر، رجوع کنید به همین مجموعه، ذیل اصل یکصد و پنجاه و ششم، شماره ۱-۵۹-۲.
۴. برای آگاهی تفصیلی نسبت به مستندات قانونی این نظر، رجوع کنید به همین مجموعه، ذیل اصل یکصد و سی و هشتم، شماره ۱-۵۹-۱.
۵. برای آگاهی تفصیلی نسبت به مستندات قانونی این نظر، رجوع کنید به همین مجموعه، ذیل اصل یکصد و سی و هشتم، شماره ۱-۵۹-۲.
۶. برای آگاهی تفصیلی نسبت به مستندات قانونی این نظر، رجوع کنید به همین مجموعه، ذیل اصل یکصد و سی و هشتم، شماره ۱-۵۹-۳.

۱-۲۱-۶- شورای استانی در ماده (۵)،^(۱) همان ایرادهای اصل تشکیل شورای عالی و سازمان پیشگیری از وقوع جرم در مواد (۲) و (۳) را دارد.

۱-۲۱-۷- مواد (۶)، (۷)، (۸) و (۹) همان ایرادهای اصل تشکیل شورای عالی و سازمان پیشگیری از وقوع جرم مذکور در مواد قبلی را دارد.^(۲)

۲۲-۱. نظر شماره ۸۹/۳۰/۳۸۹۲۹ مورخ ۱۳۸۹/۴/۲۳ شورای نگهبان در خصوص لایحه رسیدگی به تخلفات رانندگی^(۳) مصوب ۱۳۸۹/۳/۲۵ مجلس شورای اسلامی

۱-۲۲-۱- در ماده (۵)^(۴) معرفی قاضی توسط رئیس حوزه قضایی، مغایر اصل

۱. برای آگاهی تفصیلی نسبت به مستندات قانونی این نظر، رجوع کنید به همین مجموعه، ذیل اصل یکصد و سی و هشتم، شماره ۱-۵۹-۴.

۲. برای آگاهی تفصیلی نسبت به مستندات قانونی این نظر، رجوع کنید به همین مجموعه، ذیل اصل یکصد و سی و هشتم، شماره ۱-۵۹-۵.

۳. گفتنی است این لایحه ابتدا با عنوان «لایحه نحوه رسیدگی به تخلفات و اخذ جریمه‌های مربوط به امور حمل و نقل و عبور و مرور وسایل نقلیه» به مجلس تقدیم شده است، لیکن عنوان آن، هنگام بررسی در مجلس تغییر کرده است.

۴. ماده ۵- متخلف موظف است ظرف مدت شصت روز از تاریخ مندرج در قبض جریمه یا تاریخ ابلاغ‌شده در قبض جریمه‌ای که به اطلاع او می‌رسد جریمه را به حسابی که از طرف خزانه‌داری کل تعیین و اعلام می‌شود پرداخت و رسید دریافت نماید یا مراتب اعتراض خود را ظرف مدت مذکور با ذکر دلایل به اداره اجرائیات راهنمایی و رانندگی تسلیم نماید. اداره مذکور موظف است حداکثر ظرف بیست و چهار ساعت پس از وصول اعتراض بررسی لازم را انجام داده و در صورت غیر موجه دانستن اعتراض مراتب را به معترض ابلاغ نماید. در صورت اصرار معترض، اداره اجرائیات موضوع را جهت رسیدگی به واحد رسیدگی به اعتراضات ناشی از تخلفات رانندگی ارسال می‌نماید.

واحد فوق‌الذکر متشکل از یک قاضی با معرفی رئیس حوزه قضایی محل و یک کارشناس راهنمایی و رانندگی با معرفی رئیس پلیس راهنمایی و رانندگی مربوطه می‌باشد. ریاست آن واحد با قاضی خواهد بود که پس از اخذ نظر مشورتی عضو دیگر مبادرت به صدور رأی می‌نماید. رأی صادره قطعی است.

در صورتی که متخلف در مهلت قانونی مذکور اعتراض خود را تسلیم ننماید یا ظرف بیست روز پس از ابلاغ رأی واحد جریمه را پرداخت ننماید، موظف است جریمه را به مأخذ دو برابر مبلغ مندرج در قبض جریمه بپردازد.

تبصره- در صورتی که ثابت شود مأموران و نیز داوطلبان مذکور در ماده (۲) حسب مورد به ناحق قبض جریمه صادر کرده یا با علم و اطلاع گزارش خلاف واقع در مورد امور مربوط به این قانون داده‌اند، ضمن جبران خسارت وارده به مجازات بزه گزارش خلاف واقع محکوم می‌شوند.

مصوبه اصلاحی (نهایی) مورخ ۱۳۸۹/۱۰/۲۶ مجلس به منظور رفع ایراد شورا:

در پاراگراف دوم ماده (۵)، عبارت «معرفی رئیس حوزه قضایی محل» حذف و عبارت «ابلاغ رئیس قوه قضائیه» جایگزین گردید.

۱۵۷ قانون اساسی شناخته شد.

۲۳-۱. نظر شماره ۸۹/۳۰/۴۰۹۶۸ مورخ ۱۳۸۹/۱۰/۶ و نظر شماره ۸۹/۳۰/۴۱۰۲۱ مورخ ۱۳۸۹/۱۰/۹ شورای نگهبان در خصوص لایحه برنامه پنج ساله پنجم توسعه جمهوری اسلامی ایران (۱۳۹۴-۱۳۹۰)،^(۱) مصوب ۱۳۸۹/۹/۱۷ مجلس شورای اسلامی ۱-۲۳-۱ در فراز آخر ماده (۱۸۳)،^(۲) تصویب آیین نامه توسط شورای عالی امنیت ملی، مغایر اصول ۱۳۸، ۱۵۷ و ۱۷۶ قانون اساسی است.

۱-۲۳-۲ ماده (۱۹۸)،^(۳) اطلاق این ماده علاوه بر اشکال کلی وارده «تأیید معاونت»، در مورد سایر قوا و دستگاه های مستقل و دستگاه های تحت نظر آنها و همچنین در مواردی که مربوط به وظایف خاص دستگاه ها می شود، مغایر اصول متعدد از جمله اصل ۵۷، ۹۱، ۱۰۷، ۱۱۲، ۱۵۶ و ۱۵۷ قانون اساسی است.

۲۴-۱. نظر شماره ۹۰/۳۰/۴۴۳۳۱ مورخ ۱۳۹۰/۸/۴ شورای نگهبان در خصوص لایحه تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمان های فاقد سند رسمی مصوب ۱۳۹۰/۷/۲۰ مجلس شورای اسلامی

۱-۲۴-۱ اطلاق ماده (۱۸)^(۴) در تصویب آیین نامه نسبت به اموری که مربوط به امور اجرایی قوه قضائیه است، مغایر اصول ۱۵۶ و ۱۵۷ قانون اساسی شناخته شد.

۲۵-۱. نظر شماره ۹۰/۳۰/۴۶۱۴۱ مورخ ۱۳۹۰/۱۲/۲۳ و نظر شماره ۹۱/۳۰/۴۸۳۲۸ مورخ ۱۳۹۱/۷/۲۳ شورای نگهبان در خصوص لایحه آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۰/۳/۲ کمیسیون قضایی و حقوقی مجلس شورای اسلامی ۱-۲۵-۱ در تبصره (۲) ماده (۳۰)،^(۵) تصویب آیین نامه در این خصوص طبق

۱. گفتنی است این لایحه ابتدا با عنوان «لایحه برنامه پنج ساله پنجم توسعه جمهوری اسلامی ایران (۱۳۹۳-۱۳۸۹)» به مجلس تقدیم شده است، لیکن عنوان آن، هنگام بررسی در مجلس تغییر کرده است.
۲. برای آگاهی تفصیلی نسبت به مستندات قانونی این نظر، رجوع کنید به همین مجموعه، ذیل اصل یکصد و سی و هشتم، شماره ۱-۶۳-۲.
۳. برای آگاهی تفصیلی نسبت به مستندات قانونی این نظر، رجوع کنید به همین مجموعه، ذیل اصل پنجاه و هفتم، شماره ۱-۸۹-۹.
۴. برای آگاهی تفصیلی نسبت به مستندات قانونی این نظر، رجوع کنید به همین مجموعه، ذیل اصل یکصد و پنجاه و ششم، شماره ۱-۶۷-۱.
۵. برای آگاهی تفصیلی نسبت به مستندات قانونی این نظر، رجوع کنید به همین مجموعه، ذیل اصل یکصد و پنجاه و ششم، شماره ۱-۶۹-۱.

اصول ۱۵۶، ۱۵۷ و ۱۵۸ قانون اساسی از وظایف رئیس قوه قضائیه بوده و سلب حق از رئیس قوه و اعطاء آن به قوه مجریه، مغایر اصول مذکور شناخته شد.

۱-۲۵-۲- تبصره (۳) ماده (۶۶)^(۱) از حیث مرجع تصویب، مغایر اصول ۱۵۶ و ۱۵۷ قانون اساسی است.

۱-۲۵-۳- تبصره ماده (۱۳۰)^(۲) ابهام دارد؛ اگر منظور آیین‌نامه اجرایی است، تصریح شود. همچنین در صورتی که منظور آیین‌نامه اجرایی می‌باشد تصویب آن توسط هیئت وزیران مغایر اصول ۱۵۶ و ۱۵۷ قانون اساسی شناخته شد.

۱-۲۵-۴- در ماده (۱۴۷)^(۳)، چنانچه آلات و ادوات و... با جرم ارتباط نداشته باشد، نیاز به دستور قضایی دارد. همچنین در تبصره این ماده، تصویب آیین‌نامه توسط هیئت وزیران مغایر اصول ۱۵۶ و ۱۵۷ قانون اساسی شناخته شد.

۱-۲۵-۵- تصویب آیین‌نامه قضایی توسط هیئت وزیران در تبصره ماده (۱۷۵) و نیز ماده (۱۷۶)، مغایر اصول ۱۵۶ و ۱۵۷ قانون اساسی شناخته شد.^(۴)

۱-۲۵-۶- تصویب آیین‌نامه قضایی توسط هیئت وزیران در تبصره ماده (۲۰۲)^(۵)، مغایر اصول ۱۵۶ و ۱۵۷ قانون اساسی شناخته شد.

۱-۲۵-۷- تصویب آیین‌نامه قضایی توسط هیئت وزیران در تبصره (۱) ماده (۲۱۴)^(۶)، مغایر اصول ۱۵۶ و ۱۵۷ قانون اساسی شناخته شد.

۱-۲۵-۸- در ماده (۲۵۲)^(۷)، تصویب آیین‌نامه قضایی توسط هیئت وزیران، مغایر

۱. برای آگاهی تفصیلی نسبت به مستندات قانونی این نظر، رجوع کنید به همین مجموعه، ذیل اصل یکصد و پنجاه و ششم، شماره ۱-۶۹-۲.

۲. برای آگاهی تفصیلی نسبت به مستندات قانونی این نظر، رجوع کنید به همین مجموعه، ذیل اصل یکصد و پنجاه و ششم، شماره ۱-۶۹-۳.

۳. برای آگاهی تفصیلی نسبت به مستندات قانونی این نظر، رجوع کنید به همین مجموعه، ذیل اصل یکصد و پنجاه و ششم، شماره ۱-۶۹-۴.

۴. برای آگاهی تفصیلی نسبت به مستندات قانونی این نظر، رجوع کنید به همین مجموعه، ذیل اصل یکصد و پنجاه و ششم، شماره ۱-۶۹-۵.

۵. برای آگاهی تفصیلی نسبت به مستندات قانونی این نظر، رجوع کنید به همین مجموعه، ذیل اصل یکصد و پنجاه و ششم، شماره ۱-۶۹-۶.

۶. برای آگاهی تفصیلی نسبت به مستندات قانونی این نظر، رجوع کنید به همین مجموعه، ذیل اصل یکصد و پنجاه و ششم، شماره ۱-۶۹-۷.

۷. برای آگاهی تفصیلی نسبت به مستندات قانونی این نظر، رجوع کنید به همین مجموعه، ذیل اصل

- اصول ۱۵۶ و ۱۵۷ قانون اساسی شناخته شد.
- ۱-۲۵-۹- در ماده (۲۶۱)،^(۱) تصویب آیین نامه قضایی توسط هیئت وزیران، مغایر اصول ۱۵۶ و ۱۵۷ قانون اساسی شناخته شد.
- ۱-۲۵-۱۰- در تبصره (۲) ماده (۴۸۴)،^(۲) تصویب آیین نامه قضایی توسط هیئت وزیران، مغایر اصول ۱۵۶ و ۱۵۷ قانون اساسی شناخته شد.
- ۱-۲۵-۱۱- در تبصره (۱) ماده (۴۸۸)،^(۳) تصویب آیین نامه قضایی توسط هیئت وزیران، مغایر اصول ۱۵۶ و ۱۵۷ قانون اساسی شناخته شد.
- ۱-۲۵-۱۲- اطلاق بعضی از موارد از قبیل تفصیل حقوق و وظایف زندانیان در ماده (۵۲۸)،^(۴) مغایر اصل ۸۵ قانون اساسی شناخته شد. همچنین چون مقصود از این ماده، آیین نامه اجرایی برای امور مذکور است، به این امر تصریح شود. به علاوه واگذاری تصویب آن به هیئت وزیران، مغایر اصول ۱۵۶ و ۱۵۷ قانون اساسی است.
- ۱-۲۵-۱۳- در ماده (۵۴۹)،^(۵) تصویب آیین نامه قضایی توسط هیئت وزیران، مغایر اصول ۱۵۶ و ۱۵۷ قانون اساسی شناخته شد.
- ۱-۲۵-۱۴- در ماده (۵۵۷) و تبصره آن،^(۶) تصویب آیین نامه قضایی توسط هیئت وزیران، مغایر اصول ۱۵۶ و ۱۵۷ قانون اساسی شناخته شد.

→

- یکصد و پنجاه و ششم، شماره ۱-۶۹-۸.
۱. برای آگاهی تفصیلی نسبت به مستندات قانونی این نظر، رجوع کنید به همین مجموعه، ذیل اصل یکصد و پنجاه و ششم، شماره ۱-۶۹-۹.
۲. برای آگاهی تفصیلی نسبت به مستندات قانونی این نظر، رجوع کنید به همین مجموعه، ذیل اصل یکصد و پنجاه و ششم، شماره ۱-۶۹-۱۰.
۳. برای آگاهی تفصیلی نسبت به مستندات قانونی این نظر، رجوع کنید به همین مجموعه، ذیل اصل یکصد و پنجاه و ششم، شماره ۱-۶۹-۱۱.
۴. برای آگاهی تفصیلی نسبت به مستندات قانونی این نظر، رجوع کنید به همین مجموعه، ذیل اصل هشتاد و پنجم، شماره ۱-۱۴۶-۴.
۵. برای آگاهی تفصیلی نسبت به مستندات قانونی این نظر، رجوع کنید به همین مجموعه، ذیل اصل یکصد و پنجاه و ششم، شماره ۱-۶۹-۱۳.
۶. برای آگاهی تفصیلی نسبت به مستندات قانونی این نظر، رجوع کنید به همین مجموعه، ذیل اصل یکصد و پنجاه و ششم، شماره ۱-۶۹-۱۴.

۱-۲۵-۱۵- در خصوص تبصره (۳) ماده (۶۵۰)،^(۱) تصویب آیین نامه قضایی توسط هیئت وزیران، مغایر اصول ۱۵۶ و ۱۵۷ قانون اساسی شناخته شد.

۱-۲۵-۱۶- در تبصره ماده (۶۵۶)،^(۲) تصویب آیین نامه قضایی توسط هیئت وزیران، مغایر اصول ۱۵۶ و ۱۵۷ قانون اساسی شناخته شد.

۲۶-۱. نظر شماره ۹۳/۱۰۰/۳۲۸۴ مورخ ۱۳۹۳/۱۰/۲۱ شورای نگهبان در خصوص طرح الحاق برخی مواد به قانون تنظیم بخشی از مقررات مالی دولت^(۳) مصوب ۱۳۹۳/۹/۱۹ مجلس شورای اسلامی

۱-۲۶-۱- در ماده (۲۲)،^(۴) تکلیف دولت به اینکه صد درصد (۱۰۰٪) وجوه حاصله در بودجه سالانه، از محل اعتباری که در بودجه سالانه پیش‌بینی می‌شود بابت هزینه‌ها اختصاص داده و پرداخت شود، مغایر اصل ۵۲ قانون اساسی شناخته شد. همچنین اطلاق تصویب آیین نامه توسط هیئت دولت نسبت به امور قضایی، مغایر اصل ۱۵۷ قانون اساسی است.

۲۷-۱. نظر شماره ۹۳/۱۰۲/۳۸۵۰ مورخ ۱۳۹۳/۱۲/۱۹ شورای نگهبان در خصوص لایحه بودجه سال ۱۳۹۴ کل کشور، مصوب ۱۳۹۳/۱۲/۱۲ مجلس شورای اسلامی

۱-۲۷-۱- ... در بند (ه) این تبصره [= تبصره (۱۶)]، واگذاری تصویب آیین نامه نسبت به امور قضایی به هیئت وزیران اشکال دارد و مغایر بند (۴) اصل ۱۵۶ و نیز اصل ۱۵۷ قانون اساسی است.^(۵)

۲۸-۱. نظر شماره ۹۴/۱۰۲/۲۲۵۶ مورخ ۱۳۹۴/۵/۱۴ شورای نگهبان در خصوص

۱. برای آگاهی تفصیلی نسبت به مستندات قانونی این نظر، رجوع کنید به همین مجموعه، ذیل اصل یکصد و پنجاه و ششم، شماره ۱-۶۹-۱۵.
۲. برای آگاهی تفصیلی نسبت به مستندات قانونی این نظر، رجوع کنید به همین مجموعه، ذیل اصل یکصد و پنجاه و ششم، شماره ۱-۶۹-۱۶.
۳. گفتنی است این طرح ابتدا با عنوان «طرح الحاق برخی مواد به قانون تنظیم بخشی از مقررات مالی دولت و اصلاحات و الحاقات بعدی آن» به مجلس تقدیم شده است، لیکن عنوان آن، هنگام بررسی در مجلس تغییر کرده است.
۴. برای آگاهی تفصیلی نسبت به مستندات قانونی این نظر، رجوع کنید به همین مجموعه، ذیل اصل پنجاه و دوم، شماره ۱-۵۰-۷.
۵. برای آگاهی تفصیلی نسبت به مستندات قانونی این نظر، رجوع کنید به همین مجموعه، ذیل اصل یکصد و پنجاه و ششم، شماره ۱-۷۶-۱.

طرح اصلاح موادی از قانون مبارزه با قاچاق کالا و ارز مصوب ۱۳۹۴/۵/۴ مجلس شورای اسلامی

۱-۲۸- در ماده (۱۳) موضوع اصلاح ماده (۷۶)،^(۱) منوط نمودن تصویب آیین‌نامه در مواردی که مربوط به امور اجرایی است به تأیید رئیس قوه قضائیه، مغایر اصول ۵۷ و ۱۳۸ قانون اساسی است و آنچه که مربوط به امور قضایی است به تصویب هیئت وزیران، مغایر اصول ۵۷ و ۱۵۷ قانون اساسی شناخته شد.

۲۹-۱. نظر شماره ۹۴/۱۰۲/۵۹۳۹ مورخ ۱۳۹۴/۱۲/۲۲ شورای نگهبان در خصوص طرح نحوه انتصاب اشخاص در مشاغل حساس^(۲) مصوب ۱۳۹۴/۱۱/۱۱ مجلس شورای اسلامی

۱-۲۹- در ماده یک^(۳) در مورد مشاغلی که برای انتخاب و انتصاب اشخاص در

۱. برای آگاهی تفصیلی نسبت به مستندات قانونی این نظر، رجوع کنید به همین مجموعه، ذیل اصل پنجاه و هفتم، شماره ۱-۱۰۷-۱.

۲. گفتنی است این طرح ابتدا با عنوان «طرح الحاق یک تبصره به ماده (۵) قانون گزینش معلمان و کارکنان آموزش و پرورش» به مجلس تقدیم شده است، لیکن عنوان آن، هنگام بررسی در مجلس تغییر کرده است.

۳. ماده ۱- کلیه دستگاه‌های اجرایی موضوع ماده (۵) قانون مدیریت خدمات کشوری مصوب ۱۳۸۶/۷/۸ موظفند در انتصاب افراد به مشاغل حساس، ضمن احراز تابعیت جمهوری اسلامی ایران و شرایط خدمت نظام وظیفه عمومی (پایان خدمت یا معافیت دائم برای مردان) در مورد ضوابط مقرر در این قانون از وزارت اطلاعات استعلام و نتایج آن را در انتصاب خود اعمال نمایند. در صورت عدم استعلام یا انتصاب بر خلاف استعلام صورت گرفته، مرتکب مورد تعقیب قانونی قرار می‌گیرد.

مصوبه اصلاحی مورخ ۱۳۹۵/۳/۴ مجلس به منظور رفع ایراد شورا:

ماده (۱) به شرح زیر اصلاح می‌شود:

ماده ۱- کلیه دستگاه‌های اجرایی موضوع ماده (۵) قانون مدیریت خدمات کشوری مصوب ۱۳۸۶/۷/۸ به استثنای دستگاه‌های تحت امر مقام معظم رهبری، قضایی و مشاغلی که برای انتصاب اشخاص، در قانون اساسی تشریفات خاص ذکر شده، ضمن احراز تابعیت جمهوری اسلامی ایران و شرایط خدمت نظام وظیفه عمومی (پایان خدمت یا معافیت دائم برای مردان)، موظفند در انتصاب افراد به مشاغل موضوع ماده (۶) این قانون در مورد ضوابط مقرر در این قانون از مراجع سه‌گانه قوه قضائیه، وزارت اطلاعات و سازمان اطلاعات سپاه، استعلام و نتایج آن را در انتصاب خود اعمال نمایند. در غیر این صورت متخلف به مجازات تعزیری درجه شش مندرج در قانون مجازات اسلامی محکوم می‌شود.

تبصره ۱- مراجع مذکور موظفند ظرف مدت یک ماه از دریافت استعلام، نتیجه را اعلام نمایند. چنانچه در مهلت مقرر پاسخ داده نشود، استعلام مثبت تلقی می‌شود.

تبصره ۲- سایر دستگاه‌ها موظفند همکاری لازم را با مراجع استعلامی مقرر در این قانون به عمل آورند.

قانون اساسی تشریفاتی خاص ذکر گردیده، مغایر اصول مربوطه است.

۲- نظرات شورای نگهبان در خصوص اساسنامه‌های مصوب هیئت وزیران

۳- نظرات تفسیری و مشورتی شورای نگهبان

۳-۱. نظریه تفسیری شماره ۴۲۱ مورخ ۱۳۵۹/۹/۱۱ شورای نگهبان در پاسخ به استفسار شورای عالی قضایی نسبت به حدود اختیارات و وظایف وزیر دادگستری و نسبت آن با امور اجرایی قوه قضائیه

شماره: ۷۷۲۷/ش

تاریخ: ۱۳۵۹/۹/۶

شورای محترم نگهبان قانون اساسی

در رابطه با حدود اختیارات و وظایف وزیر دادگستری سؤالات زیر مطرح است، خواهشمند است با توجه به اصول مربوط از قانون اساسی نظر آن شورا روشن شود تا تکلیف مسائل مورد تردید مشخص گردد:

۱- اصل پنجاه و هفتم

قوای حاکم در جمهوری اسلامی ایران عبارتند از قوه مقننه، قوه مجریه و قوه قضائیه که زیر نظر ولایت امر و امامت امت بر طبق اصول آینده این قانون اعمال می‌گردند. این قوا مستقل از یکدیگر و ارتباط میان آنها به وسیله رئیس جمهوری برقرار می‌گردد.

→

تبصره ۳- قوه قضائیه در خصوص بندهای (ت)، (خ) و (ذ)، سازمان اطلاعات سپاه در خصوص بندهای (الف)، (ث)، (ج) و (چ) و وزارت اطلاعات در خصوص همه بندهای ماده (۲) این قانون اظهار نظر می‌کنند.

تبصره ۴- ضوابط و مقررات این قانون نافذ اختیارات موضوع مصوبات مربوط به صلاحیت‌های قانونی مقرر در قانون گزینش معلمان مصوب ۱۳۷۴/۶/۱۴ و قانون تسری قانون مذکور مصوب ۱۳۷۵/۲/۹ و شورای عالی انقلاب فرهنگی نمی‌باشد.

(گفتنی است هر چند با اصلاح این مصوبه از سوی مجلس، ایراد مربوط به مغایرت این ماده با اصل ۱۵۷ برطرف شده است، لیکن ماده (۱) اصلاحی مزبور از جهتی دیگر (مغایرت با اصول ۳ و ۵۷ قانون اساسی) با ایراد شورای نگهبان مواجه شده است. برای آگاهی از ادامه مراحل بررسی این مصوبه، به ذیل اصل ۵۷، شماره ۱۱۰-۱ در همین مجموعه، مراجعه کنید.)

۲- اصل پنجاه و هشتم

اعمال قوه مقننه از طریق مجلس شورای ملی است که از نمایندگان منتخب مردم تشکیل می‌شود و مصوبات آن پس از طی مراحل که در اصول بعدی می‌آید برای اجرا به قوه مجریه و قضائیه ابلاغ می‌گردد.

۳- اصل شصتم

اعمال قوه مجریه جز در اموری که در این قانون مستقیماً بر عهده رهبری گذارده شده، از طریق رئیس جمهور و نخست‌وزیر و وزراء است.

۴- اصل شصت و یکم

اعمال قوه قضائیه به وسیله دادگاه‌های دادگستری است که باید طبق موازین اسلامی تشکیل شود و به حل و فصل دعاوی و حفظ حقوق عمومی و گسترش و اجرای عدالت و اقامه حدود الهی بپردازد.

۵- اصل یکصد و پنجاه و ششم

قوه قضائیه قوه‌ای است مستقل که پشتیبان حقوق فردی و اجتماعی و مسئول تحقق بخشیدن به عدالت و عهده‌دار وظایف زیر است:

۱- رسیدگی و صدور حکم در مورد تظلمات، تعديات، شکایات، حل و فصل دعاوی و رفع خصومات و اخذ تصمیم و اقدام لازم در آن قسمت از امور حسبيه که قانون معین می‌کند.

۲- احیای حقوق عامه و گسترش عدل و آزادی‌های مشروع

۳- نظارت بر حسن اجرای قوانین

۴- کشف جرم و تعقیب و مجازات و تعزیر مجرمین و اجرای حدود و مقررات مدون جزائی اسلام

۵- اقدام مناسب برای پیشگیری از وقوع جرم و اصلاح مجرمین.

۶- اصل یکصد و پنجاه و هفتم

به منظور انجام مسئولیت‌های قوه قضائیه شورایی به نام شورای عالی قضایی تشکیل می‌گردد که بالاترین مقام قوه قضائیه است و وظایف آن به شرح زیر می‌باشد:

۱- ایجاد تشکیلات لازم در دادگستری به تناسب مسئولیت‌های اصل یکصد و پنجاه و ششم

۲- تهیه لوایح قضایی متناسب با جمهوری اسلامی

۳- استخدام قضات عادل و شایسته و عزل و نصب آنها و تغییر محل مأموریت و تعیین مشاغل و ترفیع آنان و مانند اینها از امور اداری، طبق قانون.

۷- اصل یکصد و شصتم

وزیر دادگستری مسئولیت کلیه مسائل مربوط به روابط قوه قضائیه با قوه مجریه و قوه مقننه را بر عهده دارد و از میان کسانی که شورای عالی قضایی به نخست‌وزیر پیشنهاد می‌کند انتخاب می‌گردد.

با توجه به اصول مزبور درباره اداره کارگزینی، اداره خدمات، اداره امور مالی، اداره روزنامه رسمی، اداره پزشکی قانونی، سازمان ثبت اسناد و املاک و نظایر اینها، این سؤال مطرح است که آیا مسئولیت اداره آنها با وزیر دادگستری است که عضو قوه مجریه است، یا با شورای عالی قضایی که مستقل از قوه مجریه است.

یک نظر این است که مسئولیت این امور بر عهده شورای عالی قضایی است به دلایل زیر:

الف: استقلال قوه مقننه و قوه قضائیه ایجاب می‌کند که اداره امور مربوط به کلیه نیازمندی‌های هر قوه نیز به دست همان قوه باشد. به همین جهت با اینکه کار قوه مقننه، قانون‌گذاری و نظارت بر امور کشور است اداره کارگزینی، کارپردازی و چاپخانه مجلس، کتابخانه مجلس، حسابداری و نظایر اینها در قوه مقننه در اختیار خود مجلس و هیئت رئیسه مجلس است. بدین ترتیب در مورد قوه قضائیه نیز، هر چند کار اصلی رسیدگی به دعاوی و نظارت بر حسن اجرای قوانین و نظایر اینها است، ولی کارهایی که در رابطه با تأمین نیازهای این دادگاه‌ها و مدارک ثبتی مورد استناد این دادگاه‌ها است باید مستقل از قوه مجریه و در اختیار شورای عالی قضایی که مسئول قوه قضائیه است باشد.

ب: در اصل یکصد و شصتم وظایف وزیر دادگستری صریحاً ذکر و گفته شده است که وزیر دادگستری رابط میان قوه قضائیه و قوه مجریه و قوه مقننه است و مفاد آن این است که در اداره امور داخلی این قوه دخالت و مسئولیتی ندارد و کار او نظیر کاری است که در گذشته معاون پارلمانی وزارت دادگستری انجام می‌داده، منتهی در

رابطه با مجلس و هیئت دولت هر دو.

ج: مشمول بند (۳) از اصل یکصد و پنجاه و هفتم:

استخدام قضات عادل و شایسته و عزل و نصب آنها و تغییر محل مأموریت و تعیین مشاغل و ترفیع آنان و مانند اینها از امور اداری، طبق قانون. نظر دیگر این است که چون این امور به خودی خود و صرف نظر از ارتباطش با دادگاه‌های امور اجرایی است، باید در دست قوه مجریه باشد و در این صورت می‌تواند مسئولیت آن بر عهده وزیر دادگستری قرار گیرد. خواهشمند است با توجه به این جهات و ضرورت یکسان بودن وضع در مورد قوه مقننه و قوه قضائیه در رابطه با مسائل اداری و مالی مربوط به هر قوه، نظر آن شورای محترم را اعلام فرمایند.

از طرف شورای عالی قضایی

جمهوری اسلامی ایران

شماره: ۴۲۱

تاریخ: ۱۳۵۹/۹/۱۱

شورای عالی قضایی

عطف به نامه شماره ۷۷۲۷/ش- ۱۳۵۹/۹/۶، موضوع سؤال در شورای نگهبان مطرح و به شرح زیر اظهار نظر گردید:

«وظیفه وزیر دادگستری برقراری رابطه بین قوه قضائیه با قوه مجریه و مقننه است و عهده‌دار مسئولیت این وظیفه و وظایف مشترک با هیئت وزیران می‌باشد و در امور تشکیلاتی دادگستری مانند: اداره امور مالی، کارگزینی، خدمات و پزشکی قانونی، وظیفه و مسئولیتی ندارد و این امور به عهده شورای عالی قضایی می‌باشد.»

شورای نگهبان

۴- نظرات شورای نگهبان در پاسخ به استعلامات اشخاص حقیقی و حقوقی

۴-۱. نظر شماره ۱۷۰۱ مورخ ۱۳۶۰/۱/۲۰ شورای نگهبان در پاسخ به استعلام نخست‌وزیر نسبت به مطابقت مصوبه هیئت وزیران در خصوص ترتیب استخدام و میزان حقوق و ترفیعات شاغلان در پلیس قضایی با قانون اساسی

شماره: ۷۵۶۶۰

تاریخ: ۱۳۵۹/۱۲/۲۴

شورای محترم نگهبان

با ارسال یک نسخه از تصویب نامه شماره ۷۲۶۳۸ مورخ ۵۹/۱۱/۳۰ هیئت وزیران در خصوص آیین نامه طرز انتخاب و استخدام پلیس قضایی و فتوکپی نامه شماره ۲۶۰/ت مورخ ۱۳۵۹/۱۲/۱۰ ریاست جمهوری^(۱) به اطلاع می‌رساند که به موجب قسمت اخیر تبصره (۱) ماده (۱) لایحه قانونی تشکیل پلیس قضایی مصوب ۱۳۵۹/۴/۱۵ شورای انقلاب مقرر گردید:

«ترتیب استخدام و میزان حقوق و ترفیعات به موجب آیین نامه‌ای خواهد بود که وزارت دادگستری تهیه خواهد کرد و به تصویب هیئت وزیران یا شورای انقلاب می‌رساند.»

۱.

شماره: ۲۶۰/ت

تاریخ: ۱۳۵۹/۱۲/۱۰

آقای محمدعلی رجائی

نخست وزیر

در مورد تصویب نامه مورخ ۱۳۵۹/۱۱/۲۵ که بنابر پیشنهاد شورای عالی قضایی و به استناد تبصره یک ماده یک لایحه قانونی تشکیل پلیس قضایی مصوب ۱۳۵۹/۴/۵ شورای انقلاب صادر گردیده است، اشعار می‌دارد:

اولاً در تبصره مزبور تصریح شده است که آیین نامه را وزارت دادگستری تهیه خواهد کرد (نه شورای عالی قضایی). در اصل ۱۳۸ قانون اساسی نیز فقط به وزیر یا هیئت وزیران اجازه تدوین آیین نامه‌های اجرایی قوانین داده شده است و شورای عالی قضایی چنین وظیفه و اختیاری را به عهده ندارد.

ثانیاً در تبصره مزبور اجازه تعیین میزان حقوق در آیین نامه داده شده است، در صورتی که به موجب اصل ۵۳ قانون اساسی (... و همه پرداخت‌ها در حدود اعتبارات مصوب به موجب قانون انجام می‌گیرد)؛ بنابراین تعیین میزان حقوق مستخدمین دولت و تصویب اعتبار آن از خصائص مجلس شورای اسلامی است (و یا شورای انقلاب بوده است) و شورای انقلاب مجاز نبوده اختیار قانون‌گذاری را به هیئت دولت بدهد، خاصه که در تاریخ تصویب لایحه قانونی فوق، قانون اساسی تصویب و در حال اجراء بوده و تصویب نامه فوق، مدت هشت ماه بعد از شروع به کار مجلس شورا صادر شده است. اقتضاء دارد شورای نگهبان در این خصوص اظهار نظر نمایند.

رئیس جمهور

ابوالحسن بنی صدر

بنابراین هیئت وزیران نظر به عدم تعیین وزیر دادگستری و با توجه به اصل ۱۵۷ قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران که به موجب آن شورای عالی قضایی بالاترین مقام قوه قضائیه است و به استناد اختیار ناشی از تبصره مذکور، اقدام به تصویب طرح پیشنهادی شورای عالی قضایی به شرح تصویب‌نامه فوق‌الذکر نموده است.

اینک نظر به اینکه هم لایحه قانونی مزبور و هم تصویب‌نامه هیئت وزیران که مبتنی بر این لایحه قانونی بوده است مورد ایراد ریاست جمهوری قرار گرفته، لذا خواهشمند است نظر آن شورا را در این خصوص اعلام نمایند تا اقدام لازم به عمل آید.

نخست‌وزیر

محمدعلی رجائی

شماره: ۱۷۰۱

تاریخ: ۱۳۶۰/۱/۲۰

جناب آقای رجائی

نخست‌وزیر

عطف به نامه شماره ۷۵۶۶۰ مورخ ۱۳۵۹/۱۲/۲۴، موضوع در جلسه رسمی شورای نگهبان مطرح و مورد بحث و بررسی قرار گرفت.

«به نظر اکثریت اعضای شورا، تصویب‌نامه مورد سؤال با اصل ۵۳ قانون اساسی مغایرت دارد و با اصل ۱۳۸ قانون اساسی مغایر شناخته نشد.»

دبیر شورای نگهبان

لطف‌الله صافی

۵- تذکرات ارشادی و قانونی شورای نگهبان

امام خمینی (ره):

و از شورای محترم نگهبان می‌خواهم و توصیه می‌کنم، چه در نسل حاضر و
چه در نسل های آینده که با کمال وقت و قدرت و ظایف اسلامی و ملی خود
را ایا تحت تاثیر هیچ قدرتی واقع نشوند و از قوانین مخالف با شرع مطهر و
قانون اساسی بدون هیچ ملاحظه ای جلوگیری نمایند.

(صحیفه امام ج ۲۱، ص ۴۲۲)



آدرس: تهران، خیابان شهید سپهبد قمری،
کوچه شهید دهقانی نیا (خسرو سابق)، پلاک ۱۲
صندوق پستی: ۱۴۶۳ - ۱۳۱۴۵
تلفکس: ۰۲۱ - ۸۸۳۲۵۰۴۵
info@shora-rc.ir
www.shora-rc.ir